



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اهمیت زبان فارسی در نگاه رهبر معظم انقلاب

حزبی
معاونت سیاسی
صدا و سیما



فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش‌های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صداوسیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

– گروه تلگرام پژوهش خبری صداوسیما <https://telegram.me/pajooreshkhabar>

پژوهشگر: امید جلوداریان

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

۱۱	□ مقدمه.....
۱۲	فصل اول: نمودار سازی بیانات رهبر معظم انقلاب درباره اهمیت زبان فارسی.....
۱۳	الف - نمودار مؤلفه های قانونی در بیانات درباره اهمیت زبان فارسی.....
۱۴	ب - نمودار کلی شاخص های محوری در بیانات درباره اهمیت زبان فارسی.....
۲۳	ج - نمودار پرسش هایی که در بیانات درباره اهمیت زبان فارسی پاسخ داده شد.....
۲۵	د - نمودار بررسی بیانات درباره اهمیت زبان فارسی از زاویه آینده نگری.....
۲۶	هـ - نمودار برخی از مهمترین موارد و مصادیق در بیانات درباره اهمیت زبان فارسی.....
۲۷	فصل دوم: مهمترین موضوعات و محورهای بیانات رهبر معظم انقلاب درباره اهمیت زبان فارسی.....
۲۸	الف - مفاهیم قانونی درباره اهمیت زبان فارسی.....
۳۱	ب - شاخص های محوری بیانات درباره اهمیت زبان فارسی.....
۵۲	ج - پرسش ها و شبهه هایی که در بیانات درباره اهمیت زبان فارسی پاسخ داده شد.....
۵۸	د - بررسی بیانات درباره اهمیت زبان فارسی از زاویه آینده نگری.....

□ مقدمه

بررسی و جمع بندی بیانات رهبر معظم انقلاب درباره "اهمیت زبان فارسی" ما را به شش شاخص مهم رهنمون می کند که این شاخص ها نیز خود دربرگیرنده محورها و زیرمحورهای مهم و راهبردی دیگری است.

شاخص اول درباره "نفوذ و جاذبه زبان فارسی" است. رهبر معظم انقلاب به گسترده بودن نفوذ زبان فارسی در گذشته و مرز زبان فارسی از چین تا روم و آسیای صغیر و ریشه داشتن زبان فارسی در تاجیکستان و هند و پاکستان و مصر و ترکیه اشاره و تاکید می کنند که نفوذ زبان فارسی طبیعی است نه سیاسی.

"ظرفیت کم نظیر زبان فارسی"، شاخص دیگری است که از بیانات رهبر معظم انقلاب به دست می آید. رهبر انقلاب در این باره ضمن اشاره به لزوم بهره گیری از ظرفیت ترکیب پذیری استثنایی زبان فارسی، درباره بی سلیقگی در ساخت ترکیب های جدید هشدار می دهند. ایشان همچنین زبان فارسی را نماد هویت ملی و ملیت ایران و منتقل کننده فرهنگ می دانند.

بسامد هشدارها و توصیه های رهبر معظم انقلاب در بیاناتشان درباره اهمیت زبان فارسی به حدی بود که شاخص بسیار مهم "لزوم مراقبت از زبان فارسی" از آن به دست آمد. ایشان با ابراز نگرانی فراوان در خصوص تهاجم به زبان فارسی، درباره انحطاط آن هشدار می دهند و توصیه هایی می کنند که برخی از آنها عبارت اند از: اختصاص مکان و ضوابطی برای پالایش درست زبان فارسی، فارسی گویی شاعران در شعر، ننوشتن اسم فارسی با خط لاتین، درست یاد دادن زبان فارسی به فرزندان از کودکی، پرهیز از غلط گویی و ترکیبات گرتنه برداری شده، پیشگیری از جزو زبان شدن غلط ها و تقویت فرهنگستان زبان.

"رسانه و زبان فارسی و اهمیت فراوان زبان فارسی در رادیو و تلویزیون" شاخص دیگری است که از بیانات رهبر معظم انقلاب درباره زبان فارسی استخراج شده است. رهبر معظم انقلاب در این باره به محورهای مهمی اشاره می کنند که برخی از آنها عبارت اند از: کاربرد درست زبان در برنامه های زنده، تعیین معیارهایی برای پرهیز از غلط گویی و غلط نویسی، تامین راقی ترین سطح ادای فارسی در خبر و تفسیر و ...، لزوم گماشتن ویراستار در بخش های خبری.

"زبان علم شدن فارسی" نیز چندین بار در بیانات رهبر معظم انقلاب تاکید شده است. ایشان به لزوم برنامه ریزی برای تبدیل کردن زبان فارسی به زبان علم اشاره و تصریح می کنند تولید علم در کشور برای افزایش نفوذ زبان فارسی بسیار موثر است.

"تاثیر انقلاب بر ترویج زبان فارسی" شاخص دیگر مورد نظر رهبر معظم انقلاب است. ایشان انقلاب اسلامی ایران را مروج زبان فارسی می دانند و به زبان دوم دانشگاهی شدن فارسی در نقاطی از دنیا به برکت انقلاب اشاره می کنند و در عین حال معتقدند که زبان فارسی، حامل و رسانه پیام انقلاب است.

فصل اول:

پژوهش
تحری
معاونت ساسی
صدا و سیما

نمودار سازی



بیانات رهبر انقلاب درباره اهمیت زبان فارسی

الف – نمودار مؤلفه‌های کانونی در بیانات درباره اهمیت زبان فارسی

- ۱- مرز زبان فارسی
- ۲- تهاجم به زبان فارسی
- ۳- نفوذ زبان فارسی
- ۴- شیوایی و آهنگ زبان فارسی
- ۵- بار معنایی و فرهنگ غنی زبان فارسی
- ۶- جاذبه جدید زبان فارسی
- ۷- ترکیب سازی های نادرست
- ۸- هویت ملی
- ۹- زبان ملی
- ۱۰- نماد ملیت ایران
- ۱۱- انحطاط زبان فارسی
- ۱۲- مهد زبان فارسی
- ۱۳- تغییر زبان و خط فارسی
- ۱۴- ترکیب پذیری استثنایی زبان فارسی
- ۱۵- غلط مشهور و صحیح مهجور
- ۱۶- فارسی گوئی
- ۱۷- دخیل های خارجی در فارسی
- ۱۸- امواج فاسد رسانه درباره زبان فارسی
- ۱۹- لغت سازی درست
- ۲۰- نوسازی روزبه روز زبان
- ۲۱- اهمیت ویراستاری و فرهنگستان
- ۲۲- درست گوئی
- ۲۳- راقی ترین سطح ادای فارسی در رسانه
- ۲۴- زبان معیار رسانه
- ۲۵- زبان علم بودن فارسی

ب - نمودار کلی شاخص‌های محوری در بیانات درباره اهمیت زبان فارسی:

نفوذ و جاذبه زبان فارسی:

الف) گسترده بودن نفوذ زبان فارسی در گذشته:

- ۱- مرز زبان فارسی، از چین تا روم و آسیای صغیر
- ۲- زبان علم بودن فارسی از قسطنطنیه تا شبه قاره هند
- ۳- زبان اداری و زبان ادبیات و هنر بودن فارسی در دستگاه عثمانی و تا هند و چین
- ۴- ریشه داشتن زبان فارسی در تاجیکستان و هند و پاکستان و مصر و ترکیه
- ۵- نفوذ طبیعی زبان فارسی
- ۶- گیراتر بودن آهنگ زبان فارسی
- ۷- بار معنایی غنی زبان فارسی

ب) سیاسی نبودن نفوذ زبان فارسی:

- ۱- زبان رسمی بودن فارسی در هند
- ۲- نفوذ زبان فارسی در دولت عثمانی
- ۳- فارس نبودن خیلی از سلاطین ایران از جمله غزنویان و سلجوقیان و حتی صفویه و قاجاریه
- ۴- تحمیلی نبودن زبان فارسی در دیگر کشورها
- ۵- حمل معارف دینی و محتوای عرفانی

ج) جاذبه جدید زبان فارسی پس از انقلاب:

- ۱- مانوس شدن برخی کشورها با زبان فارسی در پی جاذبه سخنان امام و حقایق انقلاب
- ۲- برتری تعبیر فارسی و عربی بر تعبیر فرنگی

ظرفیت‌های زبان فارسی:

الف) ترکیب پذیری استثنایی زبان فارسی :

- ۱- با سلیقه عمل کردن در ساخت ترکیب های جدید
 - ۲- بهره گیری از ظرفیت ترکیب پذیری زبان فارسی
- ب) نماد هویت ملی
- ج) منتقل کننده فرهنگ
- د) کمک به شکل گیری هنر جهانی
- ه) شیرینی و وسعت چشمگیر
- و) نماد ملیت ایران

الف) هشدارها:

- ۱- نگرانی فراوان در خصوص تهاجم به زبان فارسی
- ۲- کوتاهی در حق زبان فارسی
- ۳- در حال انحطاط بودن زبان فارسی
- ۴- انحطاط زبان و ادبیات فارسی در دوره قاجار تا آخر دوره محمدرضا پهلوی
- ۵- تلاش عده ای برای تغییر خط فارسی
- ۶- افتخار عده ای درباره به کار بردن لغات و اصطلاحات فرنگی
- ۷- ایجاد دستگاه لغت سازی در ارتش زمان شاه با محوریت ساخت واژه های فرنگی و مجعول

ب) اقدامات و پرهیزها:

- ۱- مراقبت از خط و زبان، تقویت کننده هویت ملی
- ۲- اختصاص مکان و ضوابطی برای پالایش درست زبان فارسی
- ۳- ترجیح صحیح مهجور بر غلط مشهور
- ۴- استفاده از زبان فارسی به جای انگلیسی در هواپیما
- ۵- فارسی گوئی شاعران در شعر
- ۶- نوشتن اسم فارسی با خط لاتین
- ۷- نگذاشتن نام فرنگی روی محصولات تولید شده داخل
- ۸- نوشتن نام فارسی در کنار نام فرنگی در محصولات صادراتی
- ۹- نگذاشتن نام ها و تعبیرات فرنگی بر شرکت ها، مغازه ها و ...
- ۱۰- کار روی زبان فارسی با شیوه های هنری
- ۱۱- لزوم درست یاد دادن زبان فارسی به فرزندان از کودکی
- ۱۲- پرهیز از غلط گوئی و ترکیبات گزیده برداری شده؛ مانند:
 - لازم به ذکر است
 - تصویر فلانی را داریم
 - صدای فلانی را داریم
 - این مذاکره را با هم داریم
 - دارو گرفتن
 - حمام گرفتن
 - کاربرد واژه تک
 - کاربرد واژه چالش
 - تلفظ غلط برخی از واژه ها
 - درست نخواندن اشعار شاعران بزرگ
 - غرور ملی
 - اتفاق فکر
 - ثاالله به معنای خون خدا
- ۱۳- پیشگیری از جزو زبان شدن غلط ها
- ۱۴- ضرورت نداشتن حذف واژه هایی که جزو زبان شده اند
- ۱۵- لزوم تقویت زبان فارسی در داخل به منظور جلوگیری از تبدیل شدن به زبانی دیگر در خارج
- ۱۶- زبان فارسی نیازمند نوسازی روز به روز
- ۱۷- لزوم تقویت فرهنگستان زبان
- ۱۸- نگرانی فراوان در خصوص تهاجم به زبان فارسی

زبان فارسی و رسانه:

الف) اهمیت فراوان زبان در رادیو و تلویزیون:

- ۱- کاربرد درست زبان در برنامه های زنده
- ۲- تعیین معیارهایی برای پرهیز از غلط گویی و غلط نویسی
- ب) تاکید بر درست گویی و درست نویسی در رسانه:
 - ۱- پرهیز از غلط خوانی متن صحیح
 - ۲- پرهیز از تنظیم متن غلط
- ج) تامین راقی ترین سطح ادای فارسی در خبر و تفسیر و ...
- د) لزوم گماشتن ویراستار در بخش های خبری
- ه) تاکید ویژه درباره نداشتن غلط هیچ خبری
- و) لزوم برخوردار بودن متون خبری از زیبایی های نگارشی
- ز) لزوم تعیین جایزه برای خدمت کنندگان به زبان فارسی در رسانه
- ح) تاکید بر استفاده از زبان فارسی صحیح در برنامه های تلویزیون برای مردم تاجیکستان
- ط) تاکید بر پخش دعاخوانی به زبان فارسی در رادیو و تلویزیون
- ی) گزارشگران، فارسی را با لهجه انگلیسی حرف نزنند
- ک) لزوم فارسی معیار بودن زبان صداوسیما
- ل) حفظ زبان فارسی در مطبوعات، مهم تر از رسانه ملی
- م) استفاده از شیوه های گوناگون فارسی گویی و فارسی نویسی برای عنوان زدن در مطبوعات

زبان علم و فارسی:

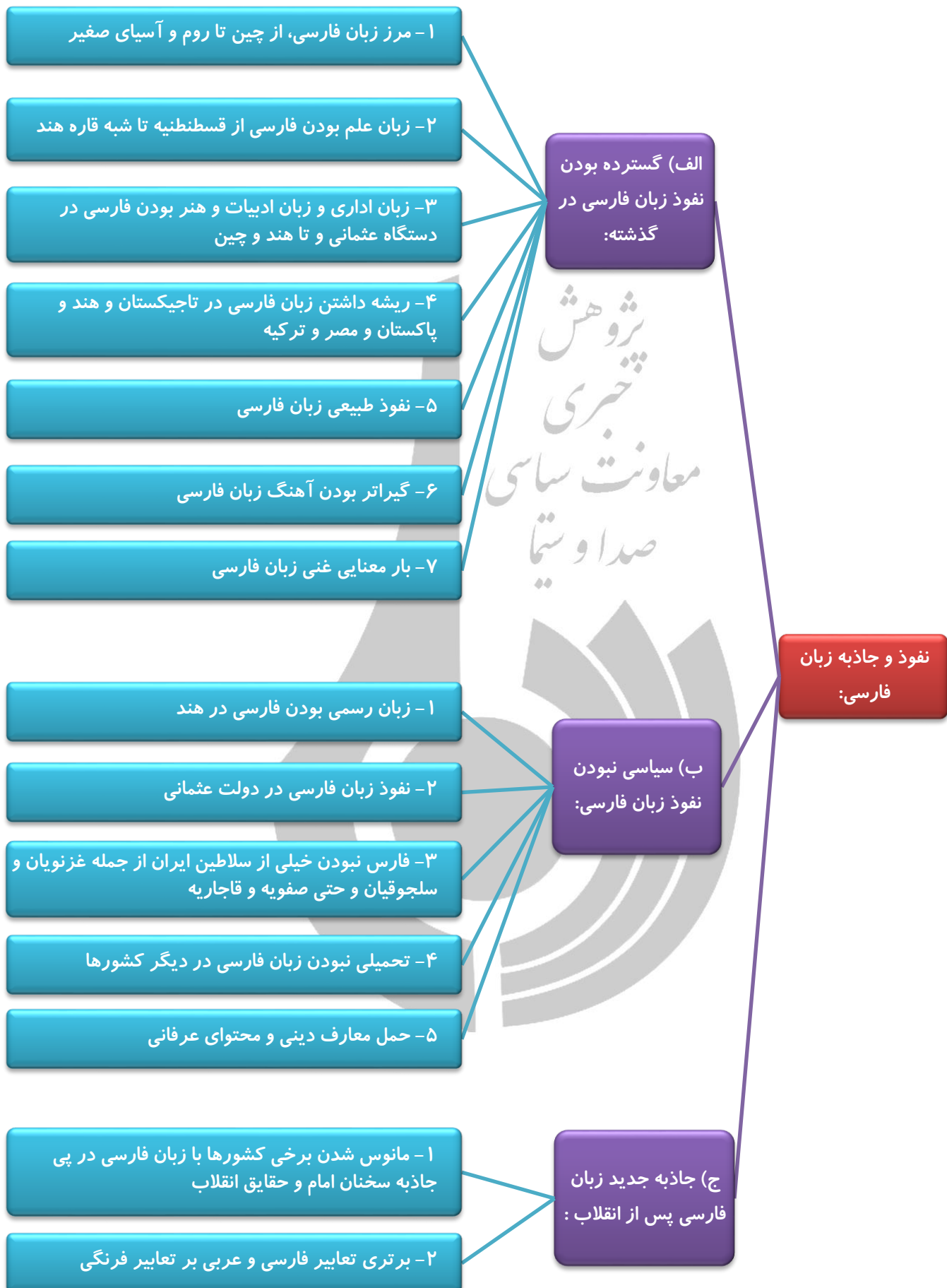
الف) تاکید بر زبان علم شدن فارسی:

- ۱- ملزم شدن دانشمندان به یادگیری زبان فارسی برای دستیابی به نظریه های علمی و اختراعات
- ۲- زبان علم شدن فارسی، نشانه پیشرفت چشمگیر ایران
- ب) لزوم برنامه ریزی برای تبدیل کردن زبان فارسی به زبان علم
- ج) تولید علم در کشور برای افزایش نفوذ زبان فارسی
- د) تولید آثار تحقیقاتی برای گسترش زبان فارسی

انقلاب ایران و زبان فارسی:

- ۱- انقلاب اسلامی ایران، مروج زبان فارسی
- ۲- زبان دوم دانشگاهی شدن فارسی در نقاطی از دنیا به برکت انقلاب
- ۳- زبان فارسی، حامل و رسانه پیام انقلاب

نفوذ و جاذبه زبان فارسی:



ظرفیت‌های زبان فارسی:



پژوهش
تجزی
معاونت ساسی
صدا و سیما



مراقبت از زبان فارسی:



الف) هشدارها:

۱- نگرانی فراوان در خصوص تهاجم به زبان فارسی

۲- کوتاهی در حق زبان فارسی

۳- در حال انحطاط بودن زبان فارسی

۴- انحطاط زبان و ادبیات فارسی در دوره قاجار تا آخر دوره محمدرضا پهلوی

۵- تلاش عده ای برای تغییر خط فارسی

۶- افتخار عده ای درباره به کار بردن لغات و اصطلاحات فرنگی

۷- ایجاد دستگاه لغت سازی در ارتش زمان شاه با محوریت ساخت واژه های فرنگی و مجعول

(ب)
اقدامات و
پرهیزها:

۱- مراقبت از خط و زبان، تقویت کننده هویت ملی

۲- اختصاص مکان و ضوابطی برای پالایش درست زبان فارسی

۳- ترجیح صحیح مهجور بر غلط مشهور

۴- استفاده از زبان فارسی به جای انگلیسی در هواپیما

۵- فارسی گویی شاعران در شعر

۶- ننوشتن اسم فارسی با خط لاتین

۷- نگذاشتن نام فرنگی روی محصولات تولید شده داخل

۸- نوشتن نام فارسی در کنار نام فرنگی در محصولات صادراتی

۹- نگذاشتن نام ها و تعبیرات فرنگی بر شرکت ها، مغازه ها و ...

۱۰- کار روی زبان فارسی با شیوه های هنری

۱۱- لزوم درست یاد دادن زبان فارسی به فرزندان از کودکی

۱۲- پرهیز از غلط گویی و ترکیبات گزته برداری شده؛ مانند:

۱۳- پیشگیری از جزو زبان شدن غلط ها

۱۴- ضرورت نداشتن حذف واژه هایی که جزو زبان شده اند

۱۵- لزوم تقویت زبان فارسی در داخل به منظور جلوگیری از تبدیل شدن به زبانی دیگر در خارج

۱۶- زبان فارسی نیازمند نوسازی روز به روز

۱۷- لزوم تقویت فرهنگستان زبان

۱۸- نگرانی فراوان درخصوص تهاجم به زبان فارسی

- لازم به ذکر است

- تصویر فلانی را داریم

- صدای فلانی را داریم

- این مذاکره را با هم داریم

- دارو گرفتن

- حمام گرفتن

- کاربرد واژه تک

- کاربرد واژه چالش

- تلفظ غلط برخی از واژه ها

- درست نخواندن اشعار شاعران بزرگ

- غرور ملی

- اتاق فکر

- تارالله به معنای خون خدا

زبان فارسی و رسانه:

الف) اهمیت فراوان زبان در رادیو و تلویزیون:

- ۱- کاربرد درست زبان در برنامه های زنده
- ۲- تعیین معیارهایی برای پرهیز از غلط گویی و غلط نویسی

ب) تاکید بر درست گویی و درست نویسی در رسانه:

- ۱- پرهیز از غلط خوانی متن صحیح
- ۲- پرهیز از تنظیم متن غلط

ج) تامین راقی ترین سطح ادای فارسی در خبر و تفسیر و ...

د) لزوم گماشتن ویراستار در بخش های خبری

ه) تاکید ویژه درباره غلط نداشتن هیچ خبری

و) لزوم برخوردار بودن متون خبری از زیبایی های نگارشی

ز) لزوم تعیین جایزه برای خدمت کنندگان به زبان فارسی در رسانه

ح) تاکید بر استفاده از زبان فارسی صحیح در برنامه های تلویزیون برای مردم تاجیکستان

ط) تاکید بر پخش دعاخوانی به زبان فارسی در رادیو و تلویزیون

ی) گزارشگران فارسی را با لهجه انگلیسی حرف نزنند

ک) لزوم فارسی معیار بودن زبان صداوسیما

ل) حفظ زبان فارسی در مطبوعات، مهم تر از رسانه ملی

م) استفاده از شیوه های گوناگون فارسی گویی و فارسی نویسی برای عنوان زدن در مطبوعات



انقلاب اسلامی ایران و زبان فارسی:

۱- انقلاب اسلامی ایران، مروج زبان فارسی

۲- زبان دوم دانشگاهی شدن فارسی در نقاطی از دنیا به برکت انقلاب

۳- زبان فارسی، حامل و رسانه پیام انقلاب



ج - نمودار پرسش‌هایی که در بیانات درباره اهمیت زبان فارسی پاسخ داده شد

مرز زبان فارسی در گذشته؟

از چین تا روم و آسیای صغیر

نفوذ زبان فارسی در دستگاه عثمانی چگونه بود؟

زبان اداری و مذهبی و ادبیات و هنر بود

علت نفوذ زبان فارسی چه بود؟

ترکیب و شیوایی ویژه و آهنگی که این زبان دارد

چه کسانی زبان فارسی را در هند ممنوع کردند؟

انگلیسی‌ها

یکی از عوامل گسترش زبان فارسی در دنیا؟

بار معنایی و همراهی آن با پیام دین

آیا ادبیات امری تشریفاتی است؟

خیر، ضروری و مهم است

آیا زبان فارسی نماد ملیت ایران نیست؟!

چرا هست؛ بر این موضوع باید تکیه شود.

چرا زبان فارسی رشد لازم را نکرد؟

در کار زبان فارسی تقصیر شده است

فارسی هند یعنی چه؟

فارسی هند غلط است

علت انحطاط زبان فارسی قبل از انقلاب چه بود؟

تبری جستن متصدیان امور از زبان فارسی

آیا غلط مشهور بهتر از صحیح مهجور است؟

این در جاهایی درست است

چرا در هواپیماهای ایران به انگلیسی حرف می‌زنند؟

ما باید واژه بگذاریم، تا زبان در محیط‌هایی این‌گونه منزوی نشود.

نوشتن اسم فارسی با خط لاتین؟

دست اندرکاران در این باره مسئولیت سنگینی دارند.

چرا کلمات عربی در فارسی به کار می‌بریم؟

جزو زبان فارسی شده اند



د - نمودار بررسی بیانات درباره اهمیت زبان فارسی از زاویه آینده نگری

ترکیب پذیری زبان فارسی:

فرصت:

۱- سهولت در ساخت واژه های جدید

تهدید:

۱- احتمال ساخت ترکیبات نادرست

تأثیر انقلاب اسلامی بر زبان فارسی:

فرصت:

۱- ایجاد جاذبه جدید در زبان فارسی

۲- مانوس شدن برخی کشورها با زبان فارسی در پی جاذبه حقایق

انقلاب

۳- برتری تعبیر فارسی، و عربی، بر تعبیر فرنگی،

توجه به زبان فارسی:

فرصت:

۱- تقویت هویت ملی

۲- انتقال فرهنگ

۳- تأثیر بر هنر جهانی

۴- اختصاص مکان و ضوابطی برای پالایش درست زبان فارسی

بی توجهی به زبان فارسی:

تهدید:

۱- تهاجم به زبان فارسی

۲- انحطاط زبان فارسی

۳- شکل گیری زمره هایی برای تغییر خط و زبان

۴- گسترش کاربرد لغات و اصطلاحات فرنگی

۵- تشکیل دستگاه های لغت سازی غیرعلمی و نادرست

۶- نوشتن اسم های فارسی با خط لاتین

۷- گذاشتن نام فرنگی روی محصولات تولید شده داخل

۸- غلط گویی

توجه به زبان فارسی در رسانه ملی:

فرصت:

۱- معیارسازی زبان برای مردم

۲- درست گویی و درست نویسی

۳- پرهیز از غلط خوانی متن صحیح و تنظیم متن غلط

۴- تأمین راقی ترین سطح ادای فارسی در خبر و تفسیر و ...

زبان علم شدن فارسی:

فرصت:

۱- ملزم شدن دانشمندان به یادگیری زبان فارسی برای دستیابی به

نظریه های علمی و اختراعات

۲- پیشرفت چشمگیر ایران

۳- افزایش نفوذ زبان فارسی

هـ - نمودار برخی از مهم‌ترین موارد و مصادیق در بیانات درباره اهمیت زبان فارسی:

- ۱- مرز زبان فارسی از چین تا روم و آسیای صغیر
- ۲- فارسی بودن مکاتبات در دوران عثمانی
- ۳- اقدام انگلیس‌ها به متوقف کردن زبان فارسی در شبه قاره هند
- ۴- عاشقان زبان فارسی در هند
- ۵- نسب و ریشه زبان فارسی در هند و پاکستان و مصر و ترکیه
- ۶- اذعان کسانی که در مجامع جهانی نطق‌های مختلف را می‌شنوند، درباره گیراتر بودن آهنگ زبان فارسی و نطق‌های فارسی
- ۷- شعرای ساکن هند که به فارسی شعر می‌گفتند؛ مثل امیر خسرو دهلوی، بیدل دهلوی و اقبال لاهوری
- ۸- **قوال‌هایی** که در هند در مقبره شاه ولی‌الله می‌نشینند و اشعاری را به زبان فارسی می‌خوانند
- ۹- مانوس بودن منطقه شرقی عربستان، پاکستان، هند و آفریقا با زبان فارسی به علت جاذبه سخنان امام و حقایق انقلاب
- ۱۰- سفر سال ۸۹ رهبر انقلاب به هند و مشاهده کسانی که به خاطر سرودهای انقلابی، زبان فارسی را می‌فهمند
- ۱۱- افراد برجسته‌ای در کشورمان که خجالت نکشیدند و پیشنهاد تغییر زبان و خط فارسی را دادند.
- ۱۲- عربی بودن چهل درصد از لغات زبان فارسی کنونی
- ۱۳- مقالات قوی محققان برجسته ترک زبان کشور، در طول دهه‌های گذشته، در زمینه زبان فارسی
- ۱۴- شرح ناشر هندی در مقدمه کتاب پدر مرحوم میرحامد حسین هندی - صاحب «عبارات» - درباره نثر فارسی هند!؟
- ۱۵- دستگاه لغت‌سازی در ارتش زمان شاه
- ۱۶- مقام عرب زبان که لغت عربی خودش را بلد نبود و از راه لغت معنی فرانسوی - عربی، از وزیر خارجه‌اش پرسید
- ۱۷- انگلیسی حرف زدن در سیستم حمل و نقل هوایی کشور
- ۱۸- کتاب‌های غلط ننویسیم ابوالحسن نجفی و نگارش و ویرایش سمیعی گیلانی
- ۱۹- جمله جلال آل احمد درباره کنار گذاشتن کلمه‌های عربی
- ۲۰- گزارشگرانی که زبان فارسی را طوری حرف می‌زنند مثل اینکه یک انگلیسی دارد به زبان فارسی حرف می‌زند!

فصل دوم:

پژوهش
تحریری
معاونت‌سای
صدا و سیما

مهم‌ترین موضوعات و محورهای



بیانات رهبر انقلاب درباره اهمیت زبان فارسی

الف - مفاهیم کانونی درباره اهمیت زبان فارسی

ردیف	مفاهیم کانونی و نکات کلیدی	توضیح مفهوم به استناد عین بیانات
۱	مرز زبان فارسی	- «همان‌طور که اشاره کردید، یک روز از چین تا روم و همین آسیای صغیر، مرز زبان فارسی را تشکیل می‌دادند. انسان می‌بیند که در دوران عثمانی، دیوان و مکاتبات آنها به زبان فارسی بوده است و شعری به زبان فارسی داشتند».
۲	تهاجم به زبان فارسی	- «مطلب ششمی که من اینجا یادداشت کرده‌ام، مسئله زبان فارسی است؛ من خیلی نگران زبان فارسی‌ام؛ خیلی نگرانم. سال‌ها پیش ما در این زمینه کار کردیم، اقدام کردیم، جمع کردیم کسانی را دور هم بنشینند. من می‌بینم کار درستی در این زمینه انجام نمی‌گیرد و تهاجم به زبان زیاد است. همین‌طور دارند اصطلاحات خارجی [به‌کار می‌برند]. ننگش می‌کند کسی که فلان تعبیر فرنگی را به کار نبرد و به جایش یک تعبیر فارسی یا عربی به کار ببرد؛ ننگشان می‌کند. این خیلی چیز بدی است».
۳	نفوذ زبان فارسی	- «در همان زمانی که کشور عثمانی دائماً با ایران جنگ داشت، نفوذ زبان فارسی آن‌چنان بود که منشی و دبیر دستگاه عثمانی کار خودش را با خط فارسی، با عنوان فارسی، با تعبیر و زبان فارسی و با شعر فارسی راه می‌انداخت! از این طرف هم - طرف شرق - حتی تا هند و چین، زبان فارسی بُرد داشت. زبان مذهبی بود؛ زبان اداری، زبان دبیران و منشیان و زبان ادبیات و هنر بود».
۴	شیوایی و آهنگ زبان فارسی	- «بنابراین، علت نفوذ زبان فارسی در چیز دیگری است؛ شاید یک مقدار در خود ذات این زبان است؛ یعنی ترکیب و شیوایی ویژه و آهنگی که این زبان دارد. من از بعضی کسانی که در مجامع جهانی خیلی حضور پیدا می‌کنند و نطق‌های مختلف را می‌شنوند، شنیدم که می‌گفتند آهنگ زبان فارسی و نطق‌های فارسی، گیراتر از آهنگ زبان‌های دیگر است».
۵	بار معنایی و فرهنگ غنی زبان فارسی	- «علت دیگر نفوذ زبان فارسی، آن بار معنایی است که این زبان با خودش حمل می‌کند. زبان فارسی، فرهنگ غنی‌ای را با خودش می‌برده است؛ این فرهنگ امروز در اختیار ماست؛ عمده‌تاً هم فرهنگ اسلامی است؛ یعنی اسلام در این منطقه شرق عالم، از شبه قاره گرفته تا چین و تا هر جای دیگر که رفته، با زبان فارسی رفته است».
۶	جاذبه جدید زبان فارسی	- «امروز هم همین‌طور است؛ امروز هم حقیقتاً زبان فارسی در دنیا جاذبه جدیدی پیدا کرده است. من کسانی را از کشورهای عربی و غیرعربی دیده‌ام که اینها زبان فارسی را از طریق رادیوی جمهوری اسلامی یاد گرفته بودند. جاذبه سخنان امام و حقایق انقلاب و مفاهیم انقلابی، اینها را با زبان فارسی مأنوس کرده بود و این زبان را می‌فهمیدند».
۷	ترکیب سازی های نادرست	- «به نظر من، گاهی اوقات ترکیب‌های زیادی درست می‌شود، که باید قدری جلوی‌ش گرفته شود. ترکیب‌سازی هم شرایطی دارد. درست است که زبان ما، زبان ترکیبی است؛ اما بالاخره این ترکیب را چه کسی باید بسازد؟ زبان فارسی، خصوصیتش ترکیب‌پذیری است و می‌تواند بی‌نهایت مفهوم را در خودش جای بدهد».
۸	هویت ملی	- «اگر کسی اینها را دقت کند، ممکن است رگه‌های سوءنیت را هم در این کار پیدا کند. من می‌گویم نگاه به رشته‌های علمی باید نگاه متوازن و برخاسته از آن نگاه کلی باشد. مثلاً یک مدتی واقعاً علوم انسانی در کشور ما مغفول‌عنه واقع شد؛ مدتی ادبیات فارسی - هویت ملی ما به زبان و خط ماست - اصلاً مورد غفلت و بی‌اعتنایی قرار گرفت؛ و خیلی چیزهای دیگر. این، نباید اتفاق بیفتد».
۹	زبان ملی	- «مسائل گوناگونی مطرح می‌شود. توصیه من این است که در زمینه علاقه به ایران، علاقه به کشور و گرایش به ایران، چند نکته را توجه داشته باشید. یکی اینکه مهم‌ترین بخش مربوط به کشور، زبان و ادبیات است. علاقه به ایران، این جوری تحقق پیدا می‌کند. ما در کشور زبان‌های مختلفی داریم؛ اما زبان ملی، فارسی است».
۱۰	نماد ملیت ایران	- «آن کسانی که زبان‌های مختلف دارند، خودشان جزو مروجین درجه یک زبان فارسی هستند. بهترین مقالات را در زمینه زبان فارسی، ترک‌زبان‌ها نوشتند؛ این را من از روی اطلاع دارم عرض می‌کنم... م. ان‌شاءالله کرده‌ام می‌نویسند؛ حرفی نیست، ما استقبال می‌کنیم. محققین برجسته ترک‌زبان کشور، در طول دهه‌های گذشته، بهترین و قوی‌ترین مقالات را در زمینه زبان فارسی نوشتند. بنابراین نباید تصور شود که زبان فارسی نماد ملیت ایران نیست؛ چرا، هست. روی این موضوع تکیه شود».

ردیف	مفاهیم کانونی و نکات کلیدی	توضیح مفهوم به استناد عین بیانات
۱۱	انحطاط زبان فارسی	«امروز متأسفانه زبان واقعاً در حال انحطاط است. در حالی که منابع زبان فارسی ما همچنان محفوظ است، اما آدم می بیند که زبانی که در اختیار نویسندگان و گوینده و خبرده و حتی شاعر و ادیب و کتاب‌نویس و امثال اینهاست، به شکل بسیار بدی مطرح می شود؛ و آن وقت این زبان قابل صدور نیست».
۱۲	مهد زبان فارسی	«با اینکه ما در همین دوره، انصافاً شخصیت های خوب ادبی، شاعر و نویسندگان بزرگ هم داشتیم، لیکن از لحاظ گسترش سیاسی و از لحاظ قدر و قیمت بین‌المللی، در پایین ترین وضعیت قرار گرفتیم! علت هم این بود که در مهد زبان فارسی - یعنی ایران - کسانی که متصدیان امور بودند، از زبان فارسی تبری می جستند! این نهایت انحطاط است».
۱۳	تغییر زبان و خط فارسی	«ما در کشور خودمان در وابستگی و اضمحلال هویت در مقابل بیگانگان تا آنجا پیش رفتیم که افراد برجسته‌ای خجالت نکشیدند و پیشنهاد تغییر زبان و خط فارسی را دادند! البته روی تغییر زبان کمتر کار کردند؛ اما برای تغییر خط فارسی - خط یک کشور یکی از نقاط برجسته و از شاخص های مهم فرهنگی هر کشور است - در همین روزنامه‌ها و مطبوعات دوره طاغوت در کشور ما علناً و صریحاً مطلب نوشتند، دفاع کردند و حرف زدند که ما خط فارسی را تغییر بدهیم؛ آن هم با استدلال های کاملاً مجادله‌آمیز و مغالطه‌آمیز و خلاف واقع. آنها تا این حد پیش رفتند».
۱۴	ترکیب پذیری استثنایی زبان فارسی	«در چنین شرایطی، در کانون زبان فارسی، باید به این زبان رسید. این زبان خیلی سعه و ظرفیت دارد. البته در این زمینه من حرف تازه‌ای برای حضار این مجلس ندارم، به نظر من، زبان فارسی از جهتی یک زبان استثنایی است. زبان عربی با آن گسترش واژگانی که دارد، خصوصیت زبان فارسی را ندارد و آن، ترکیب‌پذیری زبان فارسی است. می شود با سلیقه‌های خوب، از زبان فارسی، بی نهایت ترکیب های خوب درست کرد».
۱۵	غلط مشهور و صحیح مهجور	«گفته می شود که «غلط مشهور» بهتر از «صحیح مهجور» است؛ البته این در جاهایی درست است. در این ترکیباتی که یک وقت عوامی آمده حرفی را زده، عوام دیگری هم از او تقلید کرده و عوام هایی نیز آن را پی در پی گفته‌اند، واقعاً نمی شود این را ملاک قرار داد و گفت چون معروف شده، ما این را قبول داریم؛ باید حذف کرد؛ ولاً زبان به کلی ضایع خواهد شد».
۱۶	فارسی گویی	«اگر شما باز هم بتوانید در آن جمع شعری که باقی مانده‌اند، این جهت «فارسی گوئی» را غنی کنید، خیلی بهتر است. می دانید که شعرا هم مختلف اند؛ بعضی واقعاً فارسی گو هستند، بعضی هم چندان فارسی گو نیستند و با فارسی خیلی انس ندارند. بنابراین، قریحه شعری، همیشه ملازم با تسلط بر زبان نیست».
۱۷	دخیل های خارجی در فارسی	«اما ما در کانون زبان فارسی، داریم زبان فارسی را فراموش می کنیم؛ برای تحکیم آن، برای تعمیق آن، برای گسترش آن، برای جلوگیری از دخیل های خارجی هیچ اقدامی نمی کنیم. یواش یواش [در] تعبیرات ما یک حرف هایی می زنند - هر روزی هم که می گذرد یک چیز جدیدی می آید - ما هم نشنفته‌ایم».
۱۸	امواج فاسد رسانه درباره زبان فارسی	«رادیو و تلویزیون اگر مواظب زبان خودشان نباشند، دایم امواج فاسد پخش می کنند. واقعاً انسان گاهی می بیند که برخی از واژه‌ها غلط تلفظ می شود؛ مثلاً نام شهری که در الجزایر است، درست تلفظ نمی شود - البته این هم بد است - اما گاهی هم هست که شعر حافظ یا صائب را غلط می خوانند؛ آدم می خواهد یقه خودش را پاره کند! شعر به آن قشنگی را - به خصوص در تلویزیون - بد می خوانند، غلط می خوانند، زشت می خوانند».
۱۹	لغت سازی درست	«البته لغت‌سازی، کار جایی است؛ به شرط اینکه آن کسی که لغت‌سازی می کند، صلاحیت این کار را داشته باشد - اشکالی ندارد، پیشرفت زبان است - اما آنها صلاحیت داشتند یا نداشتند، کاری ندارم؛ لیکن لغت‌سازی شان با توجه به لغت خارجی بود».
۲۰	نوسازی روزه روز زبان	«زبان فارسی مثل همه زبان های دیگر، محتاج نوسازی روزه‌روز است. وقتی این ریشه سالم است، باید روزه‌روز شاخه و برگ هایش زیاد بشود و اتساع پیدا کند. متأسفانه این کار نشده است؛ نه اینکه امروز نشده، بلکه در تمام دوران پنجاه، شصت‌ساله گذشته، جز کارهای فردی، هیچ کاری انجام نشده است. این فرهنگستان ها چیزهای بسیار خنثایی بودند و از اول تا حالا تقریباً یک چیز حسابی بیرون ندادند».
۲۱	اهمیت ویراستاری و فرهنگستان	«این فرهنگستانی که اخیراً تشکیل شده - که البته از پنج، شش سال پیش من در شورای عالی انقلاب فرهنگی خیلی مصر بودم که این کار انجام بگیرد - باید تقویت شود. اگر ما این فرهنگستان یا هر چیز زاینده زبان را داشته باشیم، اما متوجه آفات زبان نباشیم، همه کارها ضایع خواهد شد. اهمیت این ویراستاری در اینجا معلوم می شود».

ردیف	مفاهیم کانونی و نکات کلیدی	توضیح مفهوم به استناد عین بیانات
۲۲	درست گویی	- «زبان به این خوبی را چرا با تعبیرات غلط، آن هم در رادیو و تلویزیون، خرابش کنیم؟ پس ببینید، درست گویی مهم است». - «بعد دوم کار شما، کار هنری است. شما هنرمندید؛ یعنی کار شما دقیقاً یک کار هنری است. این متن بایستی طوری تنظیم بشود و به گونه‌ای آرایه گردد و خوانده بشود که جاذبه داشته باشد. از چیزهایی که جاذبه را از بین می‌برد، غلط خوانی است. غلط خوانی، دو گونه است: یکی غلط خوانی متن صحیح است، یکی هم تنظیم متن غلط است؛ یعنی صحیح خوانی متن غلط. غلط خوانی متن صحیح این است که شما مثلاً کلمه‌ای را بد بخوانید. فرضاً آن برادرانی که گوینده هستند، عبارات فارسی را غلط بخوانند، یا مثلاً عبارات عربی را درست تلفظ نکنند».
۲۳	راقی ترین سطح ادای فارسی در رسانه	- «شما باید راقی ترین سطح ادای فارسی را در متن هایتان تأمین کنید. فرق هم نمی‌کند که چه متنی باشد؛ متن خبر باشد، یا متن تفسیر؛ چون تفسیر هم به قدر خبر اهمیت دارد. بنابراین، آن چیزی که خوانده می‌شود، باید یکی از قوی ترین و صحیح ترین متون فارسی باشد. متأسفانه، الان این طور نیست». - «مقام معظم رهبری به قابلیت گسترش زبان فارسی در بیان تمامی ظرافت‌ها اشاره کردند و خطاب به مسئولان و گویندگان خبر صدا و سیما فرمودند: خبر راجح ترین سخن یک رسانه است و متون خبری باید از زیبایی‌های ادبی و نگارشی برخوردار باشند و با هنرمندی و در نهایت زیبایی و گستردگی ارائه شوند تا همه مردم آن را بفهمند و این کاری هنری است که باید به آن اهمیت داده شود».
۲۴	زبان معیار رسانه	- «زبان صداوسیما باید فارسی درست و به راستی زبان معیار باشد. غلط گوئی و غلط خوانی یکسره از بین برود، و صداوسیما آموزنده زبان شیرین و رسا و پرتوان فارسی باشد. در این باره تلاش‌هایی شده است و باید تکمیل گردد».
۲۵	زبان علم بودن فارسی	- «اینکه من گفتم زبان فارسی - که مجری محترم برنامه اشاره کردند - منظورم بحث زبان فارسی نیست؛ البته زبان فارسی خیلی چیز ارزشمندی است و ما در جای خود درباره‌اش زیاد تأکید کرده‌ایم، حرف من این است که ما از لحاظ علمی به جایی برسیم که دیگری اگر بخواهد آن دانش را و آن رتبه بالا را یاد بگیرد مجبور باشد بیاید زبان فارسی یاد بگیرد. همچنان که شما امروز در بخشی از علوم اگر بخواهید به تازه‌های علمی دست پیدا کنید مجبورید زبان انگلیسی یا زبان فرانسه را مثلاً یاد بگیرید».

ب - شاخص‌های محوری بیانات درباره اهمیت زبان فارسی

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
۱	نفوذ و جاذبه زبان فارسی:	الف) گسترده بودن نفوذ زبان فارسی در گذشته: ۱- مرز زبان فارسی، از چین تا روم و آسیای صغیر ۲- زبان علم بودن فارسی از قسطنطنیه تا شبه قاره هند ۳- زبان اداری و زبان ادبیات و هنر بودن فارسی در دستگاه عثمانی و تا هند و چین ۴- ریشه داشتن زبان فارسی در تاجیکستان و هند و پاکستان و مصر و ترکیه ۵- نفوذ طبیعی زبان فارسی ۶- گیراتر بودن آهنگ زبان فارسی ۷- بار معنایی غنی زبان فارسی ب) سیاسی نبودن نفوذ زبان فارسی: ۱- زبان رسمی بودن فارسی در هند ۲- نفوذ زبان فارسی در دولت عثمانی ۳- فارس نبودن خیلی از سلاطین ایران از جمله غزنویان و سلجوقیان و حتی صفویه و قاجاریه ۴- تحمیلی نبودن زبان فارسی در دیگر کشورها ۵- حمل معارف دینی و محتوای عرفانی ج) جاذبه جدید زبان فارسی پس از انقلاب: ۱- مانوس شدن برخی کشورها با زبان فارسی در پی جاذبه سخنان	«همان‌طور که اشاره کردید، یک روز از چین تا روم و همین آسیای صغیر، مرز زبان فارسی را تشکیل می دادند. انسان می بیند که در دوران عثمانی، دیوان و مکاتبات آنها به زبان فارسی بوده است و شعری به زبان فارسی داشتند. بهترین شعری بخشی از دوران عثمانی، شعری فارسی گو هستند؛ وضع هند و شبه قاره هند هم که معلوم است. بنابراین، نفوذ زبان فارسی بسیار بوده است.^۱ - مطلب ششمی که من اینجا یادداشت کرده‌ام، مسئله زبان فارسی است؛ من خیلی نگران زبان فارسی ام؛ خیلی نگرانم. سال ها پیش ما در این زمینه کار کردیم، اقدام کردیم، جمع کردیم کسانی را دور هم بنشینند. من می بینم کار درستی در این زمینه انجام نمی گیرد و تهاجم به زبان زیاد است. همین‌طور دارند اصطلاحات خارجی [به کار می برند]. ننگش می کند کسی که فلان تعبیر فرنگی را به کار نبرد و به جایش یک تعبیر فارسی یا عربی به کار ببرد؛ ننگشان می کند. این خیلی چیز بدی است؛ این جزو اجزاء فرهنگ عمومی است که باید با این مبارزه کرد. دوستان! زبان فارسی یک روزی از قسطنطنیه آن روز، از استانبول آن روز، زبان علمی بوده تا شبه قاره هند؛ اینکه عرض می کنم از روی اطلاع است. در آستانه - مرکز حکومت عثمانی - زبان رسمی در یک برهه طولانی ای از زمان، زبان فارسی بوده. در شبه قاره هند برجسته‌ترین شخصیت‌ها با زبان فارسی حرف می زدند و انگلیس‌ها اولی که آمدند شبه قاره هند، یکی از کارهایی که کردند این بود که زبان فارسی را متوقف کنند؛ جلو زبان فارسی را با انواع حیل و مکرهایی که مخصوص انگلیس‌هاست گرفتند. البته هنوز هم زبان فارسی آنجا رواج دارد و عاشق دارد؛ کسانی هستند در هند - که بنده رفته‌ام دیده‌ام، بعضی هایشان اینجا آمدند آنها را دیدیم - عاشق زبان فارسی اند.^۲ - ده نکته در ادبیات، حائز اهمیت است: یکی پیش بردن ادبیات در هر عصری که به عهده کسانی است که سروکارشان با ادبیات است و در هر بخشی از بخش های ادبیات، نسبت به آن آگاهی، توانایی و خبرویت دارند. یک نکته خرج کردن درست ادبیات در سطح کشور، در سطح جامعه، یا در سطح جهان است؛ هر جایی که در بُرد ادبیات ماست. البته روزی از قسطنطنیه، یا از استانبول تا آسیای شرقی، بُرد ادبیات ما بود. خوب؛ زمانی این‌طور بوده است؛ زبان فارسی، زبان دیوانی کشور عثمانی بود. در همان زمانی که کشور عثمانی دائماً با ایران جنگ داشت، نفوذ زبان فارسی آن‌چنان بود که منشی و دبیر دستگاه عثمانی کار خودش را با خط فارسی، با عنوان فارسی، با تعبیر و زبان فارسی و با شعر فارسی راه می انداخت! از این طرف هم - طرف شرق - حتی تا هند و چین، زبان فارسی بُرد داشت. زبان مذهبی بود؛ زبان اداری، زبان دبیران و منشیان و زبان ادبیات و هنر بود.^۳ - شما به تاجیکستان اشاره کردید؛ نمی دانم از هند و پاکستان و مصر و ترکیه خبر دارید، یا نه. این کشورها جاهایی است که زبان فارسی، سابقه و سلسله نسب و ریشه دارد؛ ولی متأسفانه مهجور شده است. ما بایستی تلاش وسیعی را شروع کنیم؛ و این

۱. بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۲۷/۱۱/۱۳۷۰

۲. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۹/۰۹/۱۳۹۲

۳. بیانات در دیدار مسئولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۲۳/۰۲/۱۳۷۷

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
		امام و حقایق انقلاب ۲- برتری تعبیر فارسی و عربی بر تعبیر فرنگی	نمی شود، مگر آن وقتی که در این خانه و در این مرکز اصلی، چشمه زبان فارسی بجوشد^۱. - هر زبانی که سعه نفوذ آن زیاد باشد، طبیعی است که با خود فرهنگی را حمل می کند. کاری که امروز دولت های استعمارگر و سلطه طلب می خواهند با خرج های زیاد و با اعمال نفوذهای فراوانی در دنیا انجام بدهند، زبان فارسی آن کار را با نفوذ طبیعی خودش کرده است^۲. - نمی شود باور کرد که نفوذ زبان فارسی به خاطر قدرت سیاسی کشور فارسی زبان است. آن روزی که زبان فارسی در هند زبان رسمی بود، پادشاهان مغولی هند و تیموری ها، اگر از سلاطین صفویه - که در ایران بودند - مقتدرتر نبودند، قدرت کمتری نداشتند. اورنگ زیب از معاصر خودش در ایران به مراتب قوی تر بود؛ یعنی یک کشور بسیار ثروتمند در اختیارش بود؛ از لحاظ سیاسی قوی بود و تقریباً بر تمام منطقه شرق آسیا نیز مسلط بود؛ اما زبان آن مردم، زبان فارسی بود. نمی شد گفت که زبان فارسی را که خود این سلاطین و خانواده ها و دیوان ها و زنان و رعیتشان با شوق و ذوق می پذیرفتند، به خاطر این می پذیرفتند که مثلاً کشور ایران و حکومت صفوی یا حکومت نادری روی آنها نفوذ داشتند؛ نخیر، مسأله نفوذ سیاسی نیست؛ بایستی در چیز دیگری جستجو کرد. هیچ وقت ایران در دولت عثمانی نفوذی نداشته، که زبان فارسی را نفوذ سیاسی ما به آن جا ببرد؛ خودشان دولت مقتدیری بودند؛ همیشه هم با کشور ایران در حال جنگ و درگیری بودند. اتفاقاً دورانی که زبان فارسی در ترکیه نفوذ داشته، تقریباً همان دوران صفویه است که در خود ایران زبان فارسی خیلی اوجی نداشته است. شعرای خوب ما در آن دوران فرار می کردند و از ایران می رفتند؛ اما ما می بینیم که در کشور عثمانی آن روز، زبان فارسی، زبان دیوانی و زبان شعری و زبان علمی و ادبی است؛ پس ناشی از نفوذ سیاسی نیست؛ یعنی نمی توان گمان کرد که علت گسترش زبان فارسی، نفوذ سیاسی دولت فارسی ایران است. علاوه بر این، خیلی از سلاطین ایران اصلاً فارس نبودند. غزنویان و سلجوقیان شاید زبان فارسی را درست هم نمی فهمیدند. خود صفویه و قاجاریه هیچ کدام فارسی زبان نبودند؛ اینها با فارسی خیلی انس و خویشاوندی نداشتند^۳. - بنابراین، علت نفوذ زبان فارسی در چیز دیگری است؛ شاید یک مقدار در خود ذات این زبان است؛ یعنی ترکیب و شیوایی ویژه و آهنگی که این زبان دارد. من از بعضی کسانی که در مجامع جهانی خیلی حضور پیدا می کنند و نطق های مختلف را می شنوند، شنیدم که می گفتند آهنگ زبان فارسی و نطق های فارسی، گیراتر از آهنگ زبان های دیگر است. ما هم گاهی می بینیم که بعضی از اشخاصی که از کشورهای متعدد به ایران می آیند و در اینجا صحبت می کنند، آن زیبایی و فراز و نشیب لطیف زبان فارسی در کلامشان احساس نمی شود. البته اینها را بایستی زبان شناسان بگویند؛ چیزی نیست که با گوش بشود فهمید؛ لابد موازین و معیارهایی دارد که اینها را زبان شناسان می فهمند^۴. - تقلید از غرب برای کشورهایی که این تقلید را برای خودشان روا دانستند و عمل کردند، جز ضرر و فاجعه به بار نیاورده؛ حتی آن کشورهایی که به ظاهر به صنعتی و

^۱ . بیانات در دیدار اعضای شورای عالی ویرایش زبان فارسی در صدا و سیما ۱۸/۰۹/۱۳۷۰

^۲ . بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۲۷/۱۱/۱۳۷۰

^۳ . بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۲۷/۱۱/۱۳۷۰

^۴ . بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۲۷/۱۱/۱۳۷۰

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
			اختراعی و ثروتی هم رسیدند، اما مقلد بودند. علت این است که فرهنگ غرب، یک فرهنگ مهاجم است. فرهنگ غرب، فرهنگ نابودکننده فرهنگ هاست. هر جا غربی‌ها وارد شدند، فرهنگ‌های بومی را نابود کردند، بنیان‌های اساسی اجتماعی را از بین بردند؛ تا آنجائی که توانستند، تاریخ ملت‌ها را تغییر دادند، زبان آنها را تغییر دادند، خط آنها را تغییر دادند. هر جا انگلیس‌ها وارد شدند، زبان مردم بومی را تبدیل کردند به انگلیسی؛ اگر زبان رقیبی وجود داشت، آن را از بین بردند. در شبه‌قاره هند، زبان فارسی چند قرن زبان رسمی بود؛ تمام نوشتجات، مکاتبات دستگاه‌های حکومتی، دولتی، مردم، دانشوران، مدارس عمده، شخصیت‌های برجسته، با زبان فارسی انجام می‌گرفت. انگلیس‌ها آمدند زبان فارسی را با زور در هند ممنوع کردند، زبان انگلیسی را رائج کردند. شبه‌قاره هند که یکی از کانون‌های زبان فارسی بوده، امروز در آنجا زبان فارسی غریب است؛ اما زبان انگلیسی، زبان دیوانی است؛ مکاتبات دولتی با انگلیسی است، حرف زدن غالب نخبگان‌شان با انگلیسی است - باید انگلیسی حرف بزنند - این تحمیل شده. در همه کشورهایی که انگلیس‌ها در دوران استعمار در آنجا حضور داشتند، این اتفاق افتاده است؛ تحمیل شده است. ما زبان فارسی را بر هیچ‌جا تحمیل نکردیم. زبان فارسی که در هند رائج بود، به وسیله خود هندی‌ها استقبال شد؛ شخصیت‌های هندی، خودشان به زبان فارسی شعر گفتند. از قرن هفتم و هشتم هجری تا همین زمان اخیر قبل از آمدن انگلیس‌ها، شعرای زیادی در هند بودند که به فارسی شعر می‌گفتند؛ مثل امیر خسرو دهلوی، بیدل دهلوی - که اهل دهلی است - و بسیاری از شعرای دیگر. اقبال لاهوری اهل لاهور است، اما شعر فارسی او معروف‌تر از شعر به هر زبان دیگری است. ما مثل انگلیس‌ها که انگلیسی را در هند رائج کردند، زبان فارسی را رائج نکردیم؛ فارسی با میل مردم، با رفت‌وآمد شاعران و عارفان و عالمان و اینها به طور طبیعی رائج شد؛ اما انگلیس‌ها آمدند مردم را مجبور کردند که باید فارسی حرف نزنند؛ برای فارسی حرف زدن و فارسی نوشتن، مجازات معین کردند^۱. - علت دیگر نفوذ زبان فارسی، آن بار معنایی است که این زبان با خودش حمل می‌کند. زبان فارسی، فرهنگ غنی‌ای را با خودش می‌برده است؛ این فرهنگ امروز در اختیار ماست؛ عمده‌تاً هم فرهنگ اسلامی است؛ یعنی اسلام در این منطقه شرق عالم، از شبه‌قاره گرفته تا چین و تا هر جای دیگر که رفته، با زبان فارسی رفته است. خیلی نزدیک به نظر می‌آید که یکی از عوامل گسترش زبان فارسی در دنیا - و لااقل در این ناحیه - همراهی آن با دین و پیام دین و معارف دینی باشد؛ یعنی آن کسی که این دین و این معارف را می‌پذیرد، زبانی را هم که حامل آن است، می‌پذیرد. من دیده‌ام که قوال‌ها در هند در آن مقبره شاه ولی‌الله می‌نشینند و اشعاری را به زبان فارسی هم می‌خوانند. البته فارسی را هم خیلی بد می‌خوانند؛ یعنی صدایشان خوب است، لیکن خواندنشان خیلی غلط دارد؛ درعین‌حال اشعار، همان اشعار عرفانی و معنوی فارسی است؛ که یا از اشعار خود شاه ولی‌الله و یا از اشعار دیگران می‌خوانند. بنابراین، ما می‌توانیم آن محتوای عرفانی و آن فرهنگ اسلامی را که شکل لطیف و زیبایی خودش را در ایران داشته، عامل گسترش زبان بدانیم^۲. - امروز هم همین‌طور است؛ امروز هم حقیقتاً زبان فارسی در دنیا جاذبه جدیدی پیدا کرده است. من کسانی را از کشورهای عربی و غیرعربی دیده‌ام که اینها زبان فارسی را

^۱ . بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۲۳/۰۷/۱۳۹۱

^۲ . بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۲۷/۱/۱۳۷۰

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
			از طریق رادیوی جمهوری اسلامی یاد گرفته بودند. جاذبه سخنان امام و حقایق انقلاب و مفاهیم انقلابی، اینها را با زبان فارسی مأنوس کرده بود و این زبان را می فهمیدند. هم در منطقه شرقی عربستان که صدای ما به آنجا می رسد، هم در پاکستان و به خصوص در هند، و هم در آفریقا ما این را دیدیم. من سال ۵۹ هند بودم؛ در آنجا دیدم که کسانی به خاطر سرودهای انقلابی، زبان فارسی را می فهمند؛ مطمئناً در جاهای دیگر هم این معنا وجود دارد. بنابراین، هر جا که جاذبه این فرهنگ و این تفکر بتواند راهی باز کند و نفوذی بکند، زبان فارسی هم هست.^۱ - من خیلی نگران زبان فارسی ام؛ خیلی نگرانم. سال ها پیش ما در این زمینه کار کردیم، اقدام کردیم، جمع کردیم کسانی را دور هم بنشینند. من می بینم کار درستی در این زمینه انجام نمی گیرد و تهاجم به زبان زیاد است. همین‌طور دارند اصطلاحات خارجی [به کار می برند]. ننگش می کند کسی که فلان تعبیر فرنگی را به کار نبرد و به جایش یک تعبیر فارسی یا عربی به کار ببرد؛ ننگشان می کند. این خیلی چیز بدی است؛ این جزو اجزاء فرهنگ عمومی است که باید با این مبارزه کرد^۲.
۲	ظرفیت های زبان فارسی:	الف) ترکیب پذیری استثنایی زبان فارسی : ۱- با سلیقه عمل کردن در ساخت ترکیب های جدید ۲- بهره گیری از ظرفیت ترکیب پذیری زبان فارسی ب) نماد هویت ملی ج) منتقل کننده فرهنگ د) کمک به شکل گیری هنر جهانی ه) شیرینی و وسعت چشمگیر و) نماد ملیت ایران	- « به نظر من، گاهی اوقات ترکیب های زیادی درست می شود، که باید قدری جلوییش گرفته شود. ترکیب سازی هم شرایطی دارد. درست است که زبان ما، زبان ترکیبی است؛ اما بالاخره این ترکیب را چه کسی باید بسازد؟ زبان فارسی، خصوصیتش ترکیب پذیری است و می تواند بی نهایت مفهوم را در خودش جای بدهد. گمان می کنم که هیچ زبانی مثل زبان فارسی نیست - حالا زبان هایی که ما تا حدودی بلد هستیم؛ مثل عربی و ترکی - که بشود راحت دو یا سه کلمه را با هم ترکیب کرد و مثلاً چیزی مثل «شترگاو پلنگ» درآورد. واقعاً شترگاو پلنگ یک حیوان است؛ اما موجودی که هم شتر، هم گاو و هم پلنگ باشد، در عالم خارج وجود ندارد؛ درعین حال شما قشنگ می توانید شترگاو پلنگ را در ذهنتان ترسیم کنید. گاهی اوقات مثلاً می بینیم که یک شاعر فصیح، در آخر دیوان خود - که واقعاً اشعارش بسیار خوب است - چند کلمه نثر می نویسد که بعضی از عبارات آن، اشتباه واضح است. فرضاً از تعبیر «لازم به ذکر است» استفاده می کند که غلط است. بایستی همپای شعر، در زمینه نگارش نثر درست هم تلاش نمایید^۳. - بعد از پیروزی انقلاب اسلامی - که انقلابی براساس یک هدف تعریف شده فرهنگی بود - که به مقوله فرهنگ اهمیت داده شد و به مقوله هویت ملی - که خود هویت ملی یک کشور، فرهنگ است و خود این جزو مصادیق و سطور برجسته فرهنگ یک ملت است - اهتمام ورزیده شد، برکاتی بر این کار مترتب شد که این برکات به هیچ وجه ممکن نبود در این کشور به وجود بیاید. این نوآوری ها، این پیشرفت های علمی، این جسارت وارد شدن در عرصه های نو علمی و تحقیقی - که امروز در کشور ما خوشبختانه مشاهده می شود - به خاطر همین اعتماد به نفسی است که از احیاء هویت ملی پیدا شده است؛ این را انقلاب به وجود آورد. قبل از انقلاب از هویت ملی و ملیت اسم زیاد می آوردند؛ اما به هیچ وجه به معنای حقیقی کلمه، هویت ملی را تقویت نمی کردند. البته علت هم واضح بود؛ چون آن کسانی که ایران را برای منافع خودشان می خواستند و در کشور عزیز ما منافع خود را تعریف کرده بودند، می دانستند که اگر هویت ملی در این کشور زنده شود، با منافع آنها ناسازگار خواهد بود و آنها نمی توانند به منافعی که هدف گرفته اند، برسند. به همین دلیل، هویت ملی در

۱. بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۱۳۷۰/۱۱/۲۷

۲. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۹۲/۰۹/۱۹

۳. بیانات در دیدار شعرای سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۶۹/۰۱/۳۱

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
			آن زمان در اینجا تضعیف شد. ما در کشور خودمان در وابستگی و اضمحلال هویت در مقابل بیگانگان تا آنجا پیش رفتیم که افراد برجسته‌ای خجالت نکشیدند و پیشنهاد تغییر زبان و خط فارسی را دادند! البته روی تغییر زبان کمتر کار کردند؛ اما برای تغییر خط فارسی - خط یک کشور یکی از نقاط برجسته و از شاخص‌های مهم فرهنگی هر کشور است - در همین روزنامه‌ها و مطبوعات دوره طاغوت در کشور ما علناً و صریحاً مطلب نوشتند، دفاع کردند و حرف زدند که ما خط فارسی را تغییر بدهیم؛ آن هم با استدلال‌های کاملاً مجادله‌آمیز و مغالطه‌آمیز و خلاف واقع. آنها تا این حد پیش رفتند.^۱ - آن دستگاه‌هایی که مباشر امور ادبیات هستند، باید اثبات کنند که ادبیات، فقط یک سرگرمی و یک امر تشریفاتی و زایدی در زندگی نیست؛ بلکه یک چیز ضروری است. فرض بفرمایید ما امروز مایلیم که آن ملت‌هایی که در اطراف عالم با فرهنگ و ادبیات ایرانی آشنا بودند، این ارتباط و اتصالشان محفوظ بماند. می‌دانید که استعمار ده‌ها سال متمادی - شاید در بعضی جاها قرن‌ها - تلاش کرد تا آثار فرهنگ ایرانی را که در خیلی از نقاط دنیا وجود داشت، بزدايد؛ مثلاً در هند این معنا کاملاً واضح است. آن وقتی که کمپانی انگلیسی هند شرقی وارد هند شد، یکی از اولین تلاش‌هایش این بود که زبان فارسی را کنار بزند. این زبان اردو را که ملاحظه می‌کنید، ابتدا رسمی کردند، برای اینکه زبان فارسی را کنار بگذارند؛ بعد خود زبان اردو را هم کنار زدند و زبان انگلیسی را زبان رسمی کردند! از اوایل قرن نوزدهم این کار شروع شده و تا امروز هم ادامه دارد. اگر شما امروز به هند تشریف ببرید و با مردم غیر طبقات پایین انگلیسی حرف بزنید، همه آن را می‌دانند؛ چون زبانشان است. زبان رسمی، زبان دولتی و زبان اداری، زبان انگلیسی است؛ یک روز همین‌ها زبان فارسی بوده است؛ یعنی زبان رسمی، زبان حکومت، زبان دیوان، زبان مراسلات و احکام و قوانین، فارسی بوده است. حالا ما می‌خواهیم این را برگردانیم؛ به چه وسیله‌ای می‌شود این زبان را برگرداند؟ ما گلستان سعدی و دیوان حافظ و کتاب‌های فارسی همان چیزهایی که از نسل‌های گذشته، این زبان و ادبیات و فرهنگ را دارند منتقل می‌کنند، می‌فرستیم؛ آنها هم استقبال می‌کنند و می‌خوانند؛ این نقش ادبیات است، که به نظر بنده بسیار حایز اهمیت است؛ این را شما باید در محیط‌های ادبیاتی اثبات کنید.^۲ - اگر کسی اینها را دقت کند، ممکن است رگه‌های سوءنیت را هم در این کار پیدا کند. من می‌گویم نگاه به رشته‌های علمی باید نگاه متوازن و برخاسته از آن نگاه کلی باشد. مثلاً یک مدتی واقعاً علوم انسانی در کشور ما مغفول‌عنه واقع شد؛ مدتی ادبیات فارسی - هویت ملی ما به زبان و خط ماست - اصلاً مورد غفلت و بی‌اعتنایی قرار گرفت؛ و خیلی چیزهای دیگر. این، نباید اتفاق بیفتد.^۳ - برادران! اگر این‌طور است، پس بدانید که ما این سلاح را آن‌چنان که باید، درست به دست نگرفته‌ایم. البته کشور و سرزمین ما، سرزمین هنر است؛ یعنی هنر جهانی از هزار سال پیش به این طرف، در مجموع مدیون سرزمین ماست، مدیون زبان فارسی است، مدیون هنرمندان ایرانی است؛ لیکن ما این سلاح را در اختیار نگرفته‌ایم. علت هم این است که عده‌ای بودند، هنرمند هم بودند، صاحب جوهر هم بودند، اما نتوانستند خودشان را با انقلاب تطبیق بدهند؛ چون هنرمندی به معنای بقیه خصال

^۱ . بیانات پس از بازدید از سازمان صدا و سیما ۲۸/۰۲/۱۳۸۳

^۲ . بیانات در دیدار اعضای گروه ادب و هنر صدای جمهوری اسلامی ایران ۰۵/۱۲/۱۳۷۰

^۳ . بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ۲۳/۰۵/۱۳۸۵

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
			خوب که نیست. ای بسا هنرمندی که هنرش خیلی بالاست، اما آدم پست و حقیر و بد و فاسق و فاسد و خیانتکاری است. از این قبیل زیاد داشتیم، الان هم داریم و جلوی چشممان فراوان قرار دارند^۱. - فارسی صحیح، زبان شیرین و پُرسعتی است. الان زبان ما، از زبان عربی وسیع تر است. البته زبان دری اصلی که ما تا امروز بر آن اساس حرکت کرده‌ایم، از عربی وسیع تر نیست؛ لیکن امروز هرچه که در زبان ماست - تقریباً شصت درصد زبان ماست و چهل درصد از عربی لغت آورده‌ایم - متعلق به ماست و به قول مرحوم آل احمد، زبانی که من با آن حرف می‌زنم، زبان من است. مثلاً بگوییم «حرف»، عربی است و آن را تلفظ نکنیم! نه، این‌طور نیست. «حرف»، فارسی است و ما با هم حرف می‌زنیم^۲. - مسائل گوناگونی مطرح می‌شود. توصیه من این است که در زمینه علاقه به ایران، علاقه به کشور و گرایش به ایران، چند نکته را توجه داشته باشید. یکی اینکه مهم ترین بخش مربوط به کشور، زبان و ادبیات است. علاقه به ایران، این جوری تحقق پیدا می‌کند. ما در کشور زبان های مختلفی داریم؛ اما زبان ملی، فارسی است. آن کسانی که زبان های مختلف دارند، خودشان جزو مروجین درجه یک زبان فارسی هستند. بهترین مقالات را در زمینه زبان فارسی، ترک زبان ها نوشتند؛ این را من از روی اطلاع دارم عرض می‌کنم... م. ان شاء الله کردها هم می‌نویسند؛ حرفی نیست، ما استقبال می‌کنیم. محققین برجسته ترک زبان کشور، در طول دهه‌های گذشته، بهترین و قوی ترین مقالات را در زمینه زبان فارسی نوشتند. بنابراین نباید تصور شود که زبان فارسی نماد ملیت ایران نیست؛ چرا، هست. روی این موضوع تکیه شود^۳.
۳	مراقبت از زبان فارسی:	الف) هشدارها: ۱- نگرانی فراوان درخصوص تهاجم به زبان فارسی ۲- کوتاهی در حق زبان فارسی ۳- در حال انحطاط بودن زبان فارسی ۴- انحطاط زبان و ادبیات فارسی در دوره قاجار تا آخر دوره محمدرضا پهلوی ۵- تلاش عده ای برای تغییر خط فارسی ۶- افتخار عده ای درباره به کار بردن لغات و اصطلاحات فرنگی ۷- ایجاد دستگاه لغت سازی در ارتش زمان شاه با محوریت ساخت واژه های فرنگی و مجعول ب) اقدامات و پرهیزها:	- «مطلب ششمی که من اینجا یادداشت کرده‌ام، مسئله زبان فارسی است؛ من خیلی نگران زبان فارسی ام؛ خیلی نگرانم. سال ها پیش ما در این زمینه کار کردیم، اقدام کردیم، جمع کردیم کسانی را دور هم بنشینند. من می بینم کار درستی در این زمینه انجام نمی گیرد و تهاجم به زبان زیاد است. همین‌طور دارند اصطلاحات خارجی اِبه‌کار می‌برند! ننگش می‌کند کسی که فلان تعبیر فرنگی را به کار نبرد و به جایش یک تعبیر فارسی یا عربی به کار ببرد؛ ننگشان می‌کند. این خیلی چیز بدی است؛ این جزو اجزاء فرهنگ عمومی است که باید با این مبارزه کرد. دوستان! زبان فارسی یک روزی از قسطنطنیه آن روز، از استانبول آن روز، زبان علمی بوده تا شبه قاره هند؛ اینکه عرض می‌کنم از روی اطلاع است. در آستانه - مرکز حکومت عثمانی - زبان رسمی در یک برهه طولانی ای از زمان، زبان فارسی بوده. در شبه قاره هند برجسته‌ترین شخصیت‌ها با زبان فارسی حرف می‌زدند و انگلیس‌ها اولی که آمدند شبه قاره هند، یکی از کارهایی که کردند این بود که زبان فارسی را متوقف کنند؛ جلو زبان فارسی را با انواع حیَل و مکرهایی که مخصوص انگلیس‌هاست گرفتند. البته هنوز هم زبان فارسی آنجا رواج دارد و عاشق دارد؛ کسانی هستند در هند - که بنده رفته‌ام دیده‌ام، بعضی هایشان اینجا آمدند آنها را دیدیم - عاشق زبان فارسی اند^۴. - باید اعتراف کنیم که در کار زبان فارسی تقصیر شده است. نه فقط در این چند ساله اول پیروزی انقلاب که هرکسی به کاری مشغول بود، به این مهم چندان پرداخته نشد، بلکه در گذشته نیز تقصیرهای بزرگ تر و بیش تری صورت گرفت و با اینکه در

۱. بیانات در دیدار اعضای کنگره شعر حوزه ۱۵/۰۷/۱۳۷۰

۲. بیانات در دیدار مسئولان بخش های خبری صداوسیما ۲۱/۱۲/۱۳۶۹

۳. بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت ۰۶/۰۶/۱۳۹۰

۴. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۹/۰۹/۱۳۹۲

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
		۱- مراقبت از خط و زبان، تقویت کننده هویت ملی ۲- اختصاص مکان و ضوابطی برای پالایش درست زبان فارسی ۳- ترجیح صحیح مهجور بر غلط مشهور ۴- استفاده از زبان فارسی به جای انگلیسی در هواپیما ۵- فارسی‌گویی شاعران در شعر ۶- نوشتن اسم فارسی با خط لاتین ۷- نگذاشتن نام فرنگی روی محصولات تولید شده داخل ۸- نوشتن نام فارسی در کنار نام فرنگی در محصولات صادراتی ۹- نگذاشتن نام‌ها و تعبیرات فرنگی بر شرکت‌ها، مغازه‌ها و ... ۱۰- کار روی زبان فارسی با شیوه‌های هنری ۱۱- لزوم درست یاد دادن زبان فارسی به فرزندان از کودکی ۱۲- پرهیز از غلط‌گویی و ترکیبات گزاف برداری شده؛ مانند: - لازم به ذکر است - تصویر فلانی را داریم - صدای فلانی را داریم - این مفاخره را با هم داریم - دارو گرفتن - حمام گرفتن - کاربرد واژه تک - کاربرد واژه چالش - تلفظ غلط برخی از واژه‌ها - درست نخواندن اشعار شاعران بزرگ - غرور ملی - اتاق فکر - ثارالله به معنای خون خدا ۱۳- پیشگیری از جزو زبان شدن غلط‌ها	این کشور ادبا و شعرا و فارسی دانان و فارسی‌گویان بزرگی بودند، اما در این سنین متمادی، زبان فارسی آن رشدی را که بایستی می‌کرد و آن سعه‌ای را که در دنیا باید پیدا می‌کرد، پیدا نکرد. ^۱ - امروز متأسفانه زبان واقعاً در حال انحطاط است. در حالی که منابع زبان فارسی ما همچنان محفوظ است، اما آدم می‌بیند که زبانی که در اختیار نویسنده و گوینده و خبره و حتی شاعر و ادیب و کتاب‌نویس و امثال اینهاست، به شکل بسیار بدی مطرح می‌شود؛ و آن وقت این زبان قابل صدور نیست. ما باید بدانیم که وقتی این زبان از وطن خودش دور شد و به کشور بیگانه رفت، پاره‌ای شکستگی‌ها در آن به وجود خواهد آمد؛ باید فکر آن را بکنیم، اینجا مستحکم درستش بکنیم، که در آن‌جا اقلأ چیزی از آن باقی بماند. الان شما زبان شعرایی که در هند زندگی کرده‌اند - حتی نثر هندی را - ملاحظه کنید. پدر مرحوم میرحامد حسین هندی - صاحب «عبارات» - کتابی نوشته است، که در مقدمه آن کتاب، ناشر هندی شرحی در باب زبان فارسی در هند بیان می‌کند و می‌گوید این نثری که شما می‌بینید، نثر فارسی هند است؛ برای اینکه من فارسی ایرانی وقتی این را می‌خوانم، استعجاب نکنم! این یک منطق است؛ اما منطق بسیار صوری و سطحی است. فارسی هند یعنی چه؟! فارسی هند غلط است. حالا که به آنجا رفته و این شکلی شده، نباید گفت این فارسی هند است، بپذیرید! هند که جزو خاستگاه‌های زبان فارسی نیست. باید نگاه کنند، ببینند فارسی ایران چیست، فارسی خراسان چیست، فارسی فارس چیست، تا از آن، فارسی را درست کنند؛ معیار این است. وقتی زبان رنگ غربت گرفت، طبعاً یک مقدار خراب می‌شود. ما باید در اینجا آن‌چنان بنیه زبان را قوی کنیم، که در آنجاها هم قابل استفاده باشد؛ و وقتی رفت و دچار آن شکستگی‌ها شد، تبدیل به زبان دیگری نشود. ^۲ - امروز این دایره محدود شده است. البته بعد از انقلاب مقداری گسترش پیدا کرده؛ ولی قبل از انقلاب بر اثر تنگ‌نظری و نادانی و بی‌سوادی مسئولان کشور در دوره اواخر قاجار تا آخر زمان محمدرضا پهلوی، زبان و ادبیات فارسی انحطاط پیدا کرد. با اینکه ما در همین دوره، انصافاً شخصیت‌های خوب ادبی، شاعر و نویسنده بزرگ هم داشتیم، لیکن از لحاظ گسترش سیاسی و از لحاظ قدر و قیمت بین‌المللی، در پایین‌ترین وضعیت قرار گرفتیم! علت هم این بود که در مهد زبان فارسی - یعنی ایران - کسانی که متصدیان امور بودند، از زبان فارسی تبری می‌جستند! این نهایت انحطاط است. عده‌ای راجع به تغییر خط حرف می‌زدند و عده‌ای در مورد به کار بردن لغات و اصطلاحات فرنگی افتخار می‌کردند و خودشان را در مقابل آن کوچک می‌دانستند! آنجایی هم که می‌خواستند فارسی‌سازی کنند، حتی لغت‌سازی فارسی‌شان نوعی اظهار ارادت به لغت بیگانه بود! واقعاً از چیزهای عجیبی که انسان مشاهده می‌کند، اینکه یک دستگاه لغت‌سازی در ارتش زمان شاه وجود داشت؛ آنها می‌نشستند و لغتی را از لغتنامه کهن فارسی انتخاب می‌کردند که یک نوع شباهتی به زبان خارجی داشته باشد! گاهی هم لغت فارسی جعل می‌کردند؛ لغت‌سازی می‌کردند. البته لغت‌سازی، کار جایزی است؛ به شرط اینکه آن کسی که لغت‌سازی می‌کند، صلاحیت این کار را داشته باشد - اشکالی ندارد، پیشرفت زبان است - اما آنها

^۱ . بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۱۳۷۰/۱۱/۲۷

^۲ . بیانات در دیدار اعضای شورای عالی ویرایش زبان فارسی در صدا و سیما ۱۳۷۰/۰۹/۱۸

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
		۱۴- ضرورت نداشتن حذف واژه‌هایی که جزو زبان شده‌اند ۱۵- لزوم تقویت زبان فارسی در داخل به منظور جلوگیری از تبدیل شدن به زبانی دیگر در خارج ۱۶- زبان فارسی نیازمند نوسازی روز به روز ۱۷- لزوم تقویت فرهنگستان زبان ۱۸- نگرانی فراوان در خصوص تهاجم به زبان فارسی	صلاحیت داشتند یا نداشتند، کاری ندارم؛ لیکن لغت‌سازی شان با توجه به لغت خارجی بود! «تک» را در مقابل «آتک» و برای تقلید از «آتک» می‌آوردند! «چالش» را برای تقلید از «چلنج» می‌آوردند! این‌طور لغت‌سازی می‌کردند. از این قبیل، زیاد است و شاید اگر کسی واقعاً دنبال کند، بتواند یک دفتر از این‌گونه لغت‌هایی که عمدتاً بر محور لغت انگلیسی می‌گشته، بیابد. خوب؛ وقتی که در مهد زبان فارسی، زبان فارسی این‌گونه مورد بی‌اعتنایی است که بلد نیستند درست فارسی حرف بزنند، انتظار پیشرفت آن بی‌جاست!^۱ - یک وقت یک نخست‌وزیر عرب‌زبان، در زمان ریاست جمهوری بنده آمده بود با من ملاقات می‌کرد - یادم نیست که رئیس‌جمهور بود یا نخست‌وزیر - وزیر خارجه‌اش هم پهلویش نشسته بود. با من عربی صحبت می‌کرد، یک جمله را خواست بگویم، آن مفهوم را نتوانست در عربی پیدا کند! هرچه فکر کرد، دید یادش نمی‌آید. به طرف وزیر خارجه‌اش برگشت و به فرانسوی پرسید که این چه می‌شود؟ آن مفهوم را به لغت فرانسوی گفت و عربی معادلش را به رئیسش گفت؛ آن وقت ایشان به من گفت! جالب این‌جاست که من به‌عنوان مخاطب او که زبانم هم عربی نبود، آن معادل را می‌دانستم و برایم سخت نبود! من فارسی زبان بودم و آن آقا لغت عربی خودش را بلد نبود و از راه لغت معنی فرانسوی - عربی، از وزیر خارجه‌اش پرسید! من در دلم گفتم بی‌خود نیست شما این‌قدر بدبختید که زبان خودتان را هم بلد نیستید؛ در حالی که شما رئیس‌کشورتان هستید! عزیزان من! این وضع، قبل از انقلاب در ایران هم وجود داشت. خیلی تعجب نکنید؛ زبان خودشان را بلد نبودند! - بعد از پیروزی انقلاب اسلامی - که انقلابی براساس یک هدف تعریف شده فرهنگی بود - که به مقوله فرهنگ اهمیت داده شد و به مقوله هویت ملی - که خود هویت ملی یک کشور، فرهنگ است و خود این جزو مصادیق و سطور برجسته فرهنگ یک ملت است - اهتمام ورزیده شد، برکاتی بر این کار مترتب شد که این برکات به‌هیچ وجه ممکن نبود در این کشور به‌وجود بیاید. این نوآوری‌ها، این پیشرفت‌های علمی، این جسارت وارد شدن در عرصه‌های نو علمی و تحقیقی - که امروز در کشور ما خوشبختانه مشاهده می‌شود - به خاطر همین اعتماد به نفسی است که از احیاء هویت ملی پیدا شده است؛ این را انقلاب به‌وجود آورد. قبل از انقلاب از هویت ملی و ملیت اسم زیاد می‌آوردند؛ اما به هیچ وجه به معنای حقیقی کلمه، هویت ملی را تقویت نمی‌کردند. البته علت هم واضح بود؛ چون آن کسانی که ایران را برای منافع خودشان می‌خواستند و در کشور عزیز ما منافع خود را تعریف کرده بودند، می‌دانستند که اگر هویت ملی در این کشور زنده شود، با منافع آنها ناسازگار خواهد بود و آنها نمی‌توانند به منافعی که هدف گرفته‌اند، برسند. به همین دلیل، هویت ملی در آن زمان در اینجا تضعیف شد. ما در کشور خودمان در وابستگی و اضمحلال هویت در مقابل بیگانگان تا آنجا پیش رفتیم که افراد برجسته‌ای خجالت نکشیدند و پیشنهاد تغییر زبان و خط فارسی را دادند! البته روی تغییر زبان کمتر کار کردند؛ اما برای تغییر خط فارسی - خط یک کشور یکی از نقاط برجسته و از شاخص‌های مهم فرهنگی هر کشور است - در همین روزنامه‌ها و مطبوعات دوره طاغوت در کشور ما

^۱ . بیانات در دیدار مسئولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۲۳/۰۲/۱۳۷۷

^۲ . بیانات در دیدار مسئولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۲۳/۰۲/۱۳۷۷

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
			علناً و صریحاً مطلب نوشتند، دفاع کردند و حرف زدند که ما خط فارسی را تغییر بدهیم؛ آن هم با استدلال‌های کاملاً مجادله‌آمیز و مغالطه‌آمیز و خلاف واقع. آنها تا این حد پیش رفتند^۱. در چنین شرایطی، در کانون زبان فارسی، باید به این زبان رسید. این زبان خیلی سعه و ظرفیت دارد. البته در این زمینه من حرف تازه‌ای برای حضار این مجلس ندارم. به نظر من، زبان فارسی از جهتی یک زبان استثنایی است. زبان عربی با آن گسترش واژگانی که دارد، خصوصیت زبان فارسی را ندارد و آن، ترکیب‌پذیری زبان فارسی است. می‌شود با سلیقه‌های خوب، از زبان فارسی، بی نهایت ترکیب‌های خوب درست کرد. البته ترکیب‌های غلط و بد هم می‌شود درست کرد و امروز ما دچار این بلیه هستیم؛ یعنی هرکس ترکیبی درست می‌کند! البته در سابق لغت درست می‌کردند، که دفع کردنش آسان تر بود. من دیده بودم که در مجامع اهل ادب و شعر مشهد - که مردمان فاضل و با درکی آنجا بودند - این لغت‌های دساتیری و جعلی و من‌درآوردی را می‌شناختند؛ اصلاً از آهنگ لغت می‌گفتند که این دساتیری است؛ درست هم بود؛ تحقیق می‌کردند، معلوم می‌شد که واقعاً همین‌طور است. درعین حال، ما ترکیب‌های دساتیری نداریم. الان ترکیب، دست همه افتاده و همه ترکیب درست می‌کنند! عجیب این است که بعضی از این طباع عوام، یک ترکیب خوب را خیلی دیرتر و سخت‌تر می‌پذیرند تا ترکیب غلط را^۲! - گفته می‌شود که «غلط مشهور» بهتر از «صحیح مهجور» است؛ البته این در جاهایی درست است. در این ترکیباتی که یک وقت عوامی آمده حرفی را زده، عوام دیگری هم از او تقلید کرده و عوام‌هایی نیز آن را پی درپی گفته‌اند، واقعاً نمی‌شود این را ملاک قرار داد و گفت چون معروف شده، ما این را قبول داریم؛ باید حذف کرد؛ ولاً زبان به کلی ضایع خواهد شد^۳. - الان شما در ایران سوار هواپیما می‌شوید و می‌بینید کسی که در برج مراقبت هست و یک ایرانی است، با این خلبان که او نیز یک ایرانی است، حتماً انگلیسی حرف می‌زند! بنده گفتم در آن هواپیمایی که من سوار می‌شوم، این کار ممنوع است! چرا فارسی حرف نمی‌زنند؟! آخر یک وقت هست که شما با یک برج بیگانه - که او مثلاً چینی است و شما فارس هستید و زبان یکدیگر را نمی‌دانید - از زبان مشترک انگلیسی استفاده می‌کنید؛ اما بنده مثلاً به مشهد که می‌روم، به چه مناسبت شما انگلیسی حرف می‌زنید؟! علتش این است که واژه‌ها انگلیسی است و اینها فقط باید این واژه‌ها را به یکدیگر ربط بدهند؛ خودشان را دیگر دچار زحمت نمی‌کنند؛ همان ربط انگلیسی را می‌دهند! پس ما باید واژه بگذاریم، تا زبان در محیط‌هایی، این‌گونه منزوی نشود؛ که متأسفانه منزوی شده است...^۴ - در جمع شما خانم صفارزاده هم هستند که بحمدالله رتبه شعری بسیار والا و برجسته‌ای دارند؛ این خیلی جای خوشحالی است. البته بعضی از آقایان هم شعر را می‌سرایند، اما تطفلاً. من نمی‌دانم که در جمع شما، شاعر مختص به شعر و شاعر

^۱ . بیانات پس از بازدید از سازمان صدا و سیما ۲۸/۰۲/۱۳۸۳

^۲ . بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۲۷/۱۱/۱۳۷۰

^۳ . بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۲۷/۱۱/۱۳۷۰

^۴ . بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۲۷/۱۱/۱۳۷۰

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
			حرفه‌ای داریم یا نداریم - البته ما از شعرهای آقای دکتر حبیبی و آقای دکتر حداد و آقای محیط طباطبایی هم استفاده کرده‌ایم - ولی درعین حال نباید کفه شعر را خیلی در اقلیت قرار داد. خانم صفارزاده بحمدالله زبانشان، زبان بسیار خوبی است؛ یعنی سطح شعرشان واقعاً خیلی بالاست. اگر شما باز هم بتوانید در آن جمع شعری که باقی مانده‌اند، این جهت «فارسی‌گویی» را غنی کنید، خیلی بهتر است. می‌دانید که شعرا هم مختلف اند؛ بعضی واقعاً فارسی گو هستند، بعضی هم چندان فارسی گو نیستند و با فارسی خیلی انس ندارند. بنابراین، قریحه شعری، همیشه ملازم با تسلط بر زبان نیست^۱. - اما ما در کانون زبان فارسی، داریم زبان فارسی را فراموش می‌کنیم؛ برای تحکیم آن، برای تعمیق آن، برای گسترش آن، برای جلوگیری از دخیل‌های خارجی هیچ اقدامی نمی‌کنیم. یواش یواش [در] تعبیرات ما یک حرف‌هایی می‌زنند - هر روزی هم که می‌گذرد یک چیز جدیدی می‌آید - ما هم نشنفته‌ایم. گاهی می‌آیند یک کلمه‌ای می‌گویند، بنده می‌گویم معنای آن را نمی‌فهمم، می‌گویم معنای آن چیست؟ معنا [که] می‌کنند، تازه ما اطلاع پیدا می‌کنیم که این کلمه آمده؛ [این] یواش یواش کشانده شده به طبقات و توده مردم؛ این خطرناک است. اسم فارسی را با خط لاتین می‌نویسند! خب چرا؟ چه کسی می‌خواهد از این استفاده کند؟ آن کسی که زبانش فارسی است یا آن کسی که زبانش خارجی است؟ اسم فارسی با حروف لاتین! یا اسم‌های فرنگی روی محصولات تولید شده داخل ایران که برای من عکس‌هایش را و تصویرهایش را فرستادند! خب چه داعی داریم ما این کار را بکنیم؟ بله، یک وقت شما یک محصول صادراتی دارید، آنجا در کنار زبان فارسی - فارسی هم باید باشد البته؛ هرگز نبایستی از روی محصولات ما زبان فارسی برداشته بشود - البته زبان خارجی هم به آن کشورهایی که خواهد رفت، اگر زبان دیگری دارند نوشته بشود، اما محصولی در داخل تولید می‌شود، در داخل مصرف می‌شود، چه لزومی دارد؟ روی کیف بچه‌های دبستانی چه لزومی دارد که یک تعبیر فرنگی نوشته بشود؟ روی اسباب بازی‌ها همین‌جور؛ من واقعا حیرت می‌کنم. این جزو چیزهایی است که شما خیلی درباره‌اش مسئولیت دارید. البته من مثال‌هایی در ذهن دارم برای این استعمال زبان فارسی که نمی‌خواهم دیگر حالا آنها را عرض کنم؛ نام شرکت، نام محصول، نام مغازه! و از این قبیل همین‌طور مکرر تعبیرات فرنگی و به خصوص انگلیسی؛ من از این احساس خطر می‌کنم و لازم است که حضرات و شورای عالی انقلاب فرهنگی نسبت به این مسئله به جد دنبال کنند و دولت به طور جدی مواجه بشود با این مسئله. حالا معنای مواجهه این نیست که فوراً فردا مثلاً با یک شیوه‌تندی یا شیوه‌خشنی برخورد کنند، [مواجهه بشوید] اما حکمت‌آمیز؛ ببینید چکار می‌توانید بکنید که جلو این را بگیرید؛ این هم یک مسئله^۲. - به‌هرحال، امیدواریم زبان فارسی گسترش پیدا کند. زبان فارسی زبانی است با ظرفیت و با کشش. یکی از مراکزی که باید در آن روی زبان و ادبیات - به خصوص با

^۱ . بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۲۷/۱۱/۱۳۷۰

^۲ . بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۹/۰۹/۱۳۹۲

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
			شیوه‌های هنری - تلاش شود، مرکز شماسست؛ چون شما با نسلی کار می کنید که آن نسل هرچه را که از شما فرا گرفت، برایش ماندگار خواهد بود.^۱ - اگر امروز کودک ما فارسی را درست یاد بگیرد و بتواند لغت فارسی را در جایی که لازم دارد، استفاده و مصرف کند، اگر شاعر شد، اگر هنرمند، گوینده، برنامه‌ساز، یا کتاب‌نویس شد، شما دیگر خاطرتان جمع است؛ مثل کتاب‌نویس، فیلم‌نامه‌نویس، گوینده تلویزیون و افرادی نظیر آنها که در محیط قلی پرورش پیدا کرده‌اند، نخواهد بود. یعنی شما در حرکت خودتان در کانون، می توانید آن دو مقصود و دو وظیفه‌ای را که در باب ادبیات هست، هر دو را با هم تأمین کنید؛ هم ادبیات را پیش ببرید، هم آن را در قشرهای گوناگون - که قشر مخاطب شما کودک است - درست صرف کنید. بنابراین به زبان و ادبیات، باید خیلی اهمیت داده شود.^۲ - ما این همه تکرار کردیم، در رادیو و تلویزیون هم گفتیم که نگویید «لازم به ذکر است»؛ اما هر کاری می کنیم، نمی شود! رسماً گفتیم، ابلاغ هم کردند، در سخنرانی هم گفتیم که این ترکیب «لازم به ذکر است» را نگویید؛ ولی باز می گویند! یک روز در جلسه‌ای در صدا و سیما - که شاید بعضی از آقایان هم بودند - من صحبتی کردم و گفتم که اینقدر نگویید «داریم»؛ این تصویر فلانی را داریم، این صدای فلانی را داریم، این مذاکره را با هم داریم؛ این یک گردهمایی غلط از زبان بیگانه است؛ در فارسی چنین چیزی نداریم. مثلاً به جای اینکه بگوید من با شما گفتگویی بکنم، می گوید من با شما گفتگویی داشته باشم؛ مرتب این فعل «داشتن» را به صورت کمکی های غیر وارد و غیر صحیح و غیر اصیل در زبان فارسی استفاده می کنند؛ هرچه هم می گوییم، فایده‌ای ندارد! این همان بلیه بزرگ زبان فارسی در حال حاضر است. واقعاً ضابطه‌ای لازم است؛ جایی لازم است که این مشکلات زبان فارسی را تمام کند و نگذارد که به اسم زبان، از مسیرها و جریان های غلط، گنداب هایی وارد دریاچه زبان فارسی شود و این زبان را آلوده کند؛ واقعاً پالایش صحیحی وجود داشته باشد.^۳ - رادیو و تلویزیون اگر مواظب زبان خودشان نباشند، دایم امواج فاسد پخش می کنند. واقعاً انسان گاهی می بیند که برخی از واژه‌ها غلط تلفظ می شود؛ مثلاً نام شهری که در الجزایر است، درست تلفظ نمی شود - البته این هم بد است - اما گاهی هم هست که شعر حافظ یا صائب را غلط می خوانند؛ آدم می خواهد یقه خودش را پاره کند! شعر به آن قشنگی را - به خصوص در تلویزیون - بد می خوانند، غلط می خوانند، زشت می خوانند؛ این در حالی است که این اشعار را به عنوان تفریح و رفع خستگی، میان دو برنامه قرائت می کنند! آخر چه اصراری است آدم شعری را که بلد نیست بخواند، بخواند؟! متأسفانه این اشکالات هست. اتفاقاً اگر فرهنگستان به این قضیه بپردازد و نسبت به آن اهتمام بورزد، بسیار بسیار خوب و مفید خواهد بود؛ ان شاء الله طوری بشود که این موارد هم اصلاح گردد.^۴ - در محیط بیمارستان ها خیلی اوقات همین‌طور است؛ در جاهای دیگر همین‌طور است؛ اینها جاهایی است که ما دیده‌ایم. مثلاً می گویند شما دوایتان را گرفتید؟ ما دوا

^۱ . بیانات در دیدار مسئولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۲۳/۰۲/۱۳۷۷

^۲ . بیانات در دیدار مسئولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۲۳/۰۲/۱۳۷۷

^۳ . بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۲۷/۱۱/۱۳۷۰

^۴ . بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۲۷/۱۱/۱۳۷۰

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
			را نمی گیریم؛ ما دوا را می خوریم یا می نوشیم. یا فرضاً می گویند شما حمام گرفتید؟ ما حمام را نمی گیریم؛ چرا ما باید حمام را بگیریم؟! ما به حمام م یرویم، یا استحمام می کنیم. این ترکیب های غلطِ بیگانه از زبان فارسی را همین‌طور آوردند و سطوح بالا و مردمان با اسم و رسم و عالم هم اینها را به کار می برند؛ مردم عوام هم خیال می کنند که باید این‌طوری حرف بزنند تا عالم باشند؛ غافل از اینکه نه، این چهل است؛ اینکه علم نیست^۱! - البته لغت‌سازی، کار جایی است؛ به شرط اینکه آن کسی که لغت‌سازی می کند، صلاحیت این کار را داشته باشد - اشکالی ندارد، پیشرفت زبان است - اما آنها صلاحیت داشتند یا نداشتند، کاری ندارم؛ لیکن لغت‌سازی شان با توجه به لغت خارجی بود! «تک» را در مقابل «آتک» و برای تقلید از «آتک» می آوردند! «چالش» را برای تقلید از «چلنج» می‌آوردند! این‌طور لغت‌سازی می کردند. از این قبیل، زیاد است و شاید اگر کسی واقعاً دنبال کند، بتواند یک دفتر از این‌گونه لغت هایی که عمده‌تاً بر محور لغت انگلیسی می گشته، بیابد. خوب؛ وقتی که در مهد زبان فارسی، زبان فارسی این‌گونه مورد بی اعتنایی است که بلد نیستند درست فارسی حرف بزنند، انتظار پیشرفت آن بی جاست^۲! - من همین امروز به مناسبتی داشتم فکر می کردم، که این تعبیر «غرور ملی» نظرم را جلب کرد. «غرور ملی» یعنی چه؟ آن چیزی که در فارسی از این اصطلاح تفاهم می شود، چیست؟ یعنی آن احساس عزت ملی؛ یعنی یک ملت به خود احساس اعتزاز و شرف کند. طبیعی است که کلمه غرور این را نمیرساند. کسی که با زبان عربی آشناست و غرر در باب بیع را می خواند، و «غرکم بالله الغرور» را می خواند، می داند که غرور یعنی فریفتگی جاهلانه؛ یعنی کسی که از روی جهالت فریفته بشود؛ لذا می گویند فلانی آدم مغروری است؛ این زشت است. اتفاقاً این تعبیر در فارسی ما وجود دارد؛ البته نه در تعبیرات سیاسی، بلکه در تعبیرات معمولی. می گویند آدم باغروری است، آدم مغروری است؛ یعنی خودفریفتگی جاهلانه دارد؛ این بد است. این واژه وقتی در فرهنگ سیاسی می‌آید، می شود «غرور ملی»، می شود خوب! ما واقعاً چه داعیایی داریم که اصطلاحی را که معنای نارسا و غلطی دارد، بگوییم؛ که بعد من روحانی وقتی که از زبان عرب وارد زبان فارسی می شوم، تا دیدم می گویند «غرور ملی»، بگویم آقا ساکت شوید، «غرور ملی» چیست؛ آن را کنار بگذارید! در حالی که مقصود شما از «غرور ملی»، اصلاً آن معنای بد این اصطلاح نیست. شما می خواهید آن شرف ملی را بگویید، خیلی خوب، به تعبیر درستش بگویید که من هم در فهم مراد شما اشتباه نکنم. ببینید، کار به اینجاها رسیده است. امروز کسی فکر نمی کند که اصطلاح «غرور ملی»، اصطلاح غلطی باشد؛ اما غلط است، و این غلط، عدم تفاهم به وجود آورده است. خود کلمه «ملی» هم از همین قبیل است. ملت، به معنای «شعب» و «امت» نیست؛ ملت، یعنی دین. «ملۀ ابراهیم حنیفا»، یعنی آیین ابراهیم. این واژه از زمان مشروطه آمده و نمی شود آن را کاری کرد. این‌قدر گفته‌ایم ملت ایران، که به قول آقای نجفی جزو زبان شده است. این از آن مواردی است که نمی شود از زبان اخراج کرد. ملت، یعنی همین امت ما. حالا نمی دانم که اصلاً فارسی ملت چیست؛

^۱ . بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۲۷/۱۱/۱۳۷۰

^۲ . بیانات در دیدار مسئولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۲۳/۰۲/۱۳۷۷

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
			باید یک معادل فارسی برای این واژه پیدا کنیم. «خلق» هم عربی است. این واژه را تاجیک‌ها از کمونیست‌ها گرفتند. کمونیست‌های داخلی خودمان هم «خلق» می‌گفتند؛ خیال می‌کردند وقتی گفتند خلق، کلمه ملت را ضایع می‌کنند! بالاخره هر مکتبی واژه جدیدی برای خودش می‌آورد که معادل فارسی ندارد؛ حالا واقعاً بگردیم یک کلمه فارسی برای این واژه پیدا کنیم.^۱ - یک نکته دیگر این است که گفتیم هیئت‌های اندیشه‌ورز؛ من اصرار دارم این کلمه «اتاق فکر» را که فرنگی‌ها می‌گویند به کار نبرم. اتاق فکر یک تعبیر فرنگی است، می‌آیند آقایان می‌نشینند کلمات فرنگی را تبدیل می‌کنند به ترجمه تحت‌اللفظی فارسی، همان‌ها را مدام با افتخار به کار می‌برند؛ نه، ما خودمان زبان داریم، واژه‌سازی کنیم. «هیئت‌های اندیشه‌ورز» از «اتاق فکر» خیلی گویاتر هم هست. ما هیئت‌های اندیشه‌ورز لازم داریم. کجا؟ در دو نقطه: یکی در رأس، یکی در لایه‌ها. لایه‌های گوناگون بسیج فراوان است. همین که حالا این بچه‌ها اینجا می‌گویند ما شوق داریم و ما را بفرستید و چرا نمی‌فرستید، همان جنگ سخت است؛ از جنگ سخت که احتیاج دارد به هیئت‌های اندیشه‌ورز برای ترسیم و تعیین حدود این کار که چه کسی برود، کی برود، چه‌جوری برود؛ تا جنگ نرم که جنگ نرم یک عرصه بسیار وسیعی است و روزبه‌روز هم با گسترش این فضای مجازی دارد گسترده‌تر می‌شود و خیلی هم خطرناک‌تر از جنگ سخت است - یعنی در جنگ سخت، جسم‌ها به خاک و خون کشیده می‌شوند، [ولی] روح‌ها پرواز می‌کنند و می‌روند به بهشت؛ [اما] در جنگ نرم، اگر خدای نکرده دشمن غلبه بکند، جسم‌ها پرواز می‌شوند و سالم می‌مانند، [ولی] روح‌ها می‌روند به قعر جهنم؛ فرقی این است؛ لذا این خیلی خطرناک‌تر است - هیئت‌های اندیشه‌ورز لازم دارد.^۲ - در همه آثار اسلامی، ما دو نفر را داریم که از آنها به «ثارالله» تعبیر شده است. در فارسی، ما یک معادل درست و کامل برای اصطلاح عربی «ثار» نداریم. وقتی کسی از خانواده‌ای از روی ظلم به قتل می‌رسد، خانواده مقتول صاحب این خون است. این را «ثار» می‌گویند و آن خانواده حق دارد خونخواهی کند. اینکه می‌گویند خون خدا، تعبیر خیلی نارسا و ناقصی از «ثار» است و درست مراد را نمی‌فهماند. «ثار»، یعنی حق خونخواهی. اگر کسی «ثار» یک خانواده است، یعنی این خانواده حق دارد درباره او خونخواهی کند. در تاریخ اسلام از دو نفر اسم آورده شده است که صاحب خون اینها و کسی که حق خونخواهی اینها را دارد، خداست. این دو نفر یکی امام حسین است و یکی هم پدرش امیرالمؤمنین؛ «یا ثارالله وابن ثاره». پدرش امیرالمؤمنین هم حق خونخواهی‌اش متعلق به خداست.^۳ - این کتابی که جناب آقای نجفی چند سال پیش نوشتند - «غلط ننویسیم» - من همان وقت آن را گرفتم خواندم و حواشیی هم بر آن زدم. در این کتاب دیده‌ام که ایشان با همه دقتی که دارند - که واقعاً هم بجاست - جاهایی می‌گویند که مثلاً این واژه غلط است، اما دیگر جزو زبان شده است و نمی‌شود آن را کاری کرد؛ نمونه‌هایی هم ارائه شده است که حق با ایشان است. وقتی چیزی جزو زبان شد، نمی‌شود آن را

^۱ .بیانات در دیدار اعضای شورای عالی ویرایش زبان فارسی در صدا و سیما ۱۸/۰۹/۱۳۷۰

^۲ .بیانات در دیدار بسیجیان ۱۳۹۵/۰۹/۰۳

^۳ .بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۸/۱۰/۱۳۷۷

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
			از بدنه زبان بیرون کشید؛ این اصلاً عملی نیست. با بیرون آوردن آن واژه، اختلالی به وجود می‌آید؛ لیکن این خودش یک مصیبت است. ما نباید بگذاریم یک غلط، جزو زبان بشود.^۱ - من از آن آدم هایی نیستم که معتقد باشم چون کلمه عربی است، باید آن را کنار گذاشت؛ نه، کلمه عربی است، اما به قول مرحوم آل احمد، جزو زبان من است. او می گفت، به من اعتراض می کنند که چرا کلمات عربی به کار می بری؟ در پاسخ می گفت که این جزو زبان من است؛ عربی نیست، بیگانه نیست؛ حالا اصلش متعلق به هر جا باشد. من آن اعتقاد را ندارم؛ اما چرا زبان ما با این سعه عظیم و با این گسترش فراوان - که بلاشک از این جهت، از زبان عربی بازتر و پُرکشش‌تر است و ترکیب‌پذیری خوبی دارد - بایستی در یک کلمه گیر کند؟ به هر حال، ما معادل فارسی «ملت» را هم نداریم؛ چاره‌ای نداریم؛ بایستی کلمه «ملت» را بگذاریم. غرض، می خواهم عرض بکنم که مسئله ویراستاری، این قدر حساس است.^۲ - آدم می بیند که زبانی که در اختیار نویسنده و گوینده و خبرده و حتی شاعر و ادیب و کتاب‌نویس و امثال اینهاست، به شکل بسیار بدی مطرح می شود؛ و آن وقت این زبان قابل صدور نیست. ما باید بدانیم که وقتی این زبان از وطن خودش دور شد و به کشور بیگانه رفت، پاره‌ای شکستگی ها در آن به وجود خواهد آمد؛ باید فکر آن را بکنیم، اینجا مستحکم درستش بکنیم، که در آن جا اقلاً چیزی از آن باقی بماند. الان شما زبان شعرائی که در هند زندگی کرده‌اند - حتی نثر هندی را - ملاحظه کنید. پدر مرحوم میرحامد حسین هندی - صاحب «عبقات» - کتابی نوشته است، که در مقدمه آن کتاب، ناشر هندی شرحی در باب زبان فارسی در هند بیان می کند و می گوید این نثری که شما می بینید، نثر فارسی هند است؛ برای اینکه من فارسی ایرانی وقتی این را می خوانم، استعجاب نکنم! این یک منطق است؛ اما منطق بسیار صوری و سطحی است. فارسی هند یعنی چه؟! فارسی هند غلط است. حالا که به آنجا رفته و این شکلی شده، نباید گفت این فارسی هند است، بپذیرید! هند که جزو خاستگاه های زبان فارسی نیست، باید نگاه کنند، ببینند فارسی ایران چیست، فارسی خراسان چیست، فارسی فارس چیست، تا از آن، فارسی را درست کنند؛ معیار این است. وقتی زبان رنگ غربت گرفت، طبعاً یک مقدار خراب می شود. ما باید در اینجا آن چنان بنیه زبان را قوی کنیم، که در آنجاها هم قابل استفاده باشد؛ و وقتی رفت و دچار آن شکستگی ها شد، تبدیل به زبان دیگری نشود.^۳ زبان فارسی مثل همه زبان های دیگر، محتاج نوسازی روزبه‌روز است. وقتی این ریشه سالم است، باید روزبه‌روز شاخه و برگ هایش زیاد بشود و اتساع پیدا کند. متأسفانه این کار نشده است؛ نه اینکه امروز نشده، بلکه در تمام دوران پنجاه، شصت‌ساله گذشته، جز کارهای فردی، هیچ کاری انجام نشده است. این فرهنگستان ها چیزهای بسیار خنثایی بودند و از اول تا حالا تقریباً یک چیز حسابی بیرون ندادند. اگر یک وقت یک نویسنده حسابی، یک شاعر خوب، یک انسان بزرگ باذوق، توانسته در حد

^۱ .بیانات در دیدار اعضای شورای عالی ویرایش زبان فارسی در صدا و سیما ۱۸/۰۹/۱۳۷۰

^۲ .بیانات در دیدار اعضای شورای عالی ویرایش زبان فارسی در صدا و سیما ۱۸/۰۹/۱۳۷۰

^۳ .بیانات در دیدار اعضای شورای عالی ویرایش زبان فارسی در صدا و سیما ۱۸/۰۹/۱۳۷۰

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
			شخصی کاری انجام بدهد، یک قدم زبان را پیش برده؛ و آلاً یک کار جریانی انجام نگرفته است.^۱ - این فرهنگستانی که اخیراً تشکیل شده - که البته از پنج، شش سال پیش من در شورای عالی انقلاب فرهنگی خیلی مصر بودم که این کار انجام بگیرد - باید تقویت شود. اگر ما این فرهنگستان یا هر چیز زاینده زبان را داشته باشیم، اما متوجه آفات زبان نباشیم، همه کارها ضایع خواهد شد. اهمیت این ویراستاری در اینجا معلوم می شود^۲.
۴	زبان فارسی و رسانه:	الف) اهمیت فراوان زبان در رادیو و تلویزیون: ۱- کاربرد درست زبان در برنامه های زنده ۲- تعیین معیارهایی برای پرهیز از غلط گویی و غلط نویسی ب) تاکید بر درست گویی و درست نویسی در رسانه: ۱- پرهیز از غلط خوانی متن صحیح ۲- پرهیز از تنظیم متن غلط ج) تامین راقی ترین سطح ادای فارسی در خبر و تفسیر و ... د) لزوم گماشتن ویراستار در بخش های خبری ه) تاکید ویژه درباره غلط نداشتن هیچ خبری و) لزوم برخوردار بودن متون خبری از زیبایی های نگارشی ز) لزوم تعیین جایزه برای خدمت کنندگان به زبان فارسی در رسانه ح) تاکید بر استفاده از زبان فارسی صحیح در برنامه های تلویزیون برای مردم تاجیکستان ط) تاکید بر بخش دعاخوانی به زبان فارسی در رادیو و تلویزیون ی) گزارشگران فارسی را با لهجه انگلیسی حرف نزنند	- «علی ای حال، مسئله زبان در رادیو و تلویزیون، مسئله بسیار مهمی است. البته اول «خبر» است؛ لیکن از «خبر» که بگذریم، این برنامه های زنده هم که پخش می شود، همین طور است؛ مثل همین برنامه «روزنه» که شما گفتید، یا آن برنامه «عصرانه»، یا آن برنامه «سلام صبح بخیر» که خیلی هم شنونده دارد. آیا شما برنامه «سلام صبح بخیر» را می شنوید، یا نه؟ وقتی آدم این برنامه را می شنود، واقعاً دلش خون می شود! حرف هایی می زند و تعبیراتی به کار می برد که آدم واقعاً غصه اش می شود! باید کاری کرد، باید فکری کرد، باید معیارهایی گذاشت. آن جوانی که آنجا نشسته و دارد برنامه اجرا می کند، بیچاره تقصیری هم ندارد؛ او همه وسع خودش را دارد مصرف می کند؛ باید به او وسع و توان و سواد داد. ان شاء الله همه اینها باید اصلاح بشود، تا بتوانیم زبان را عرضه بکنیم.^۳ - امروز خوشبختانه قدر زبان فارسی برای مردم ایران بیش از گذشته شناخته شده است. در دوره گذشته، من با محافل ادبی و بعضی از اساتید زبان کم و بیش ارتباط داشتم. در آن دوره، کسانی که ادبیاتی بودند و به طور سنتی اهل زبان بودند، فارسی را دوست می داشتند؛ اما خرج کنندگان زبان فارسی، یعنی بدنه نظام - منظورم ملت نیستند؛ منظور، مسئولان و کسانی که وابسته به تشکیلات دولتی بودند - برایشان اصلاً و ابداً مسئله زبان فارسی اهمیتی نداشت. شاید شماها بدانید که ارتش یک دستگاه لغت سازی داشت، که گمان می کنم در کتاب جناب عالی هم به آن اشاره ای شده باشد. اینها برداشتند لغت سازی های غلط کردند و از زبان های خارجی لغت گرفتند؛ به طوری که برایشان اصلاً زبان فارسی اهمیت نداشت. گرایش به زبان اروپایی، به خصوص زبان انگلیسی، در این اواخر بسیار زیاد بوده است؛ بیشتر این زبان را نگاه می کردند و به آن گرایش داشتند؛ مثلاً اصرار داشتند که واژه ی «تک» را حتماً از Attack انگلیسی درست کنند! در غیر آنجاها هم وجود داشته، اما در آنجاها بیشتر بوده است.^۴ - در گذشته، این طور فکر نمی کردند. در زمان قاجار، آن مسئولان دولتی اصلاً کمتر از این بودند که به این موارد فکر کنند؛ مگر افراد خاصشان. در زمان رژیم گذشته هم عده ای از همان ادبیاتی های سنتی بودند؛ و آلاً بدنه نظام اصلاً و ابداً اعتقادی به زبان فارسی نداشتند. اگر گفته می شد که مثلاً بناسط اینجا زبان انگلیسی، زبان رسمی بشود، ککشان نمی گزید! کماینکه دیدیم عده ای از اینها آزادانه مسئله خط لاتین و زبان اسپرانتو را بارها مطرح کردند! من در عمر خودم، دو، سه مرتبه در دو، سه مقطع، همین مسئله خط لاتین و زبان اسپرانتو را در مطبوعات زمان طاغوت خوانده بودم؛ اما

۱. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی ویرایش زبان فارسی در صدا و سیما ۱۸/۰۹/۱۳۷۰

۲. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی ویرایش زبان فارسی در صدا و سیما ۱۸/۰۹/۱۳۷۰

۳. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی ویرایش زبان فارسی در صدا و سیما ۱۸/۰۹/۱۳۷۰

۴. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی ویرایش زبان فارسی در صدا و سیما ۱۸/۰۹/۱۳۷۰

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
	(ک) لزوم فارسی معیار بودن زبان صداوسیما (ل) حفظ زبان فارسی در مطبوعات، مهم‌تر از رسانه ملی (م) استفاده از شیوه‌های گوناگون فارسی‌گویی و فارسی‌نویسی برای عنوان زدن در مطبوعات	ک) لزوم فارسی معیار بودن زبان صداوسیما ل) حفظ زبان فارسی در مطبوعات، مهم‌تر از رسانه ملی م) استفاده از شیوه‌های گوناگون فارسی‌گویی و فارسی‌نویسی برای عنوان زدن در مطبوعات	حالا کسی جرئت نمی‌کند این حرف‌ها را بزند. الان هیچ‌کس در ایران جرئت تفوه به این حرف‌ها را ندارد؛ اما آن زمان نه، راحت می‌نوشتند و به دنبال آن، شایعه می‌شد و جنجال به پا می‌گردید. این به خاطر آن بود که زبان فارسی برایشان اهمیتی نداشت؛ اما امروز این‌طور نیست. امروز ما می‌توانیم در این فضا ان‌شاءالله خدمت بزرگی به زبان فارسی بکنیم.^۱ - نقش آقایان، نقش خیلی حساسی است. بحمدالله همه‌تان هم جزو کسانی هستید که هم به این کار واردید و اهل فن و اهل اطلاع اید، و هم دلسوزید. می‌بینم که خوشبختانه مصداق «جز به خردمند مفرما عمل» شده است. الحمدالله کار، خردمندانه پیش می‌رود. ان‌شاءالله کار را با صبر و حوصله و خردمندی پیش ببرید و خبرهای پیشرفت کار را هم به ما بگویید، که مژده و خبر خوشی خواهد بود. من کتابی به نام «آیین نگارش» از آقای سمیعی دیدم، که پیداست آقایان بحمدالله به زبان فارسی علاقه بنیادی دارند.^۲ - زبان فارسی، علاوه بر گسترش و ترکیب‌پذیری خودش، زبان بسیار خوب و شیرین و پُرگنجایشی است و مثل یک بادکنک، صد برابر حجم فعلی خودش، قابل گسترش است؛ اما زبان عربی، این‌طوری نیست. زبان عربی، مثل یک جوال بزرگ است؛ همانی است که هست و گسترش و قابلیت اتساعش کم است. زبان فارسی، کوچک‌تر از آن است؛ اما قابلیت اتساعش خیلی زیاد است. این زبان قابل اتساع و توانا، علاوه بر آنکه نصف زبان عربی هم الان جزوش است، همه ظرافت‌ها را می‌تواند بیان کند. زبان به این خوبی را چرا با تعبیّرات غلط، آن هم در رادیو و تلویزیون، خرابش کنیم؟ پس ببینید، درست‌گویی مهم است.^۳ - بعد دوم کار شما، کار هنری است. شما هنرمندید؛ یعنی کار شما دقیقاً یک کار هنری است. این متن بایستی طوری تنظیم بشود و به‌گونه‌ای ارایه گردد و خوانده بشود که جاذبه داشته‌باشد. از چیزهایی که جاذبه را از بین می‌برد، غلط خوانی است. غلط خوانی، دو گونه است: یکی غلط خوانی متن صحیح است، یکی هم تنظیم متن غلط است؛ یعنی صحیح‌خوانی متن غلط. غلط خوانی متن صحیح این است که شما مثلاً کلمه‌ای را بد بخوانید. فرضاً آن برادرانی که گوینده هستند، عبارات فارسی را غلط بخوانند، یا مثلاً عبارات عربی را درست تلفظ نکنند. البته حالا بحمدالله خیلی بهتر شده؛ ولی اوایل که خیلی بد بود. نمی‌شود گفت به کلی بی‌غلط شده؛ اما بحمدالله خیلی کم غلط است؛ به خصوص آن وقتی که برادران کار می‌کنند و من گاهی مطلع می‌شوم که روی متنی، خیلی کار می‌شود. پس، غلط خوانی، یکی از چیزهای ضد جاذبه است. غلط تنظیم کردن هم همین‌طور است.^۴ - شما باید راقی‌ترین سطح ادای فارسی را در متن‌هایتان تأمین کنید. فرق هم نمی‌کند که چه متنی باشد؛ متن خبر باشد، یا متن تفسیر؛ چون تفسیر هم به‌قدر خبر اهمیت دارد. بنابراین، آن چیزی که خوانده می‌شود، باید یکی از قوی‌ترین و صحیح‌ترین متون فارسی باشد. متأسفانه، الان این‌طور نیست. من بارها هم این را گفته‌ام؛ ولی درعین حال هست.^۵ - البته کلمات و جملات غلط نشاندار گاو پیشانی سفید زشتی - مثل «لازم به ذکر

^۱ .بیانات در دیدار اعضای شورای عالی ویرایش زبان فارسی در صدا و سیما ۱۸/۰۹/۱۳۷۰

^۲ .بیانات در دیدار اعضای شورای عالی ویرایش زبان فارسی در صدا و سیما ۱۸/۰۹/۱۳۷۰

^۳ .بیانات در دیدار مسئولان بخش‌های خبری صداوسیما ۲۱/۱۲/۱۳۶۹

^۴ .بیانات در دیدار مسئولان بخش‌های خبری صداوسیما ۲۱/۱۲/۱۳۶۹

^۵ .بیانات در دیدار مسئولان بخش‌های خبری صداوسیما ۲۱/۱۲/۱۳۶۹

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
			است» - بود که مرتب در خبرها تکرار می شد؛ ولی خوشبختانه حالا آنها نیست. من در یکی از سمینارهای صدا و سیما، به خصوص روی این جمله تأکید کردم و گفتم: «لازم به ذکر است»، غلط است. چرا این قدر «لازم به ذکر است» می گوید؟ مثل این است که شما «باید» را «باید» بخوانید! خوب است؟ این کلمه غلط را باید آدم نگویید و اصلاً باید بپرهیزد. واقعاً شنیدن یک کلمه غلط، برای کسی که می داند غلط است، مثل یک سیلی است که به گوش او زده شود! ... این تعبیر «لازم به ذکر است»، از آن چیزهایی بود که یک مقدار رویش حساس شده بودم و هر دفعه‌ای که گفته می شد، واقعاً تکانی می خوردم. البته حالا خوشبختانه قدری کمتر شده است. هرچند بخشنامه شده که این جمله را به کار نبرند، ولی دیگران به کار می برند! الحمدلله در خبر نیست؛ اما من گاهی می بینم که در گفته‌های غیر خبر تلویزیون و در وسط یک صحبت خوب، یک نفر که بیان خیلی لطیف و ظریف و خوبی هم دارد، ناگهان چیزی یادش می آید و می گوید: «لازم به ذکر است!» واقعاً چه داعیی داری که صحبت به این خوبی را با این کلمه غلط خراب کنی؟! حالا این، یک کلمه است؛ ولی من اگر بخواهم غلط ها را بشمارم، بیشتر از اینهاست. باید اصلاً غلط نباشد. باید اصلاً شما ممیز - و به قول خارجی ها، ادیتور - داشته باشید و او نگاه کند و بگوید که این کلمه صحیح است، یا نه. نگذارید هیچ خبری، اصلاً غلط تنظیم بشود. رندترین و رایج ترین سخن یک رسانه، خبر آن است؛ بنابراین نباید غلط باشد^۱. - مقام معظم رهبری به قابلیت گسترش زبان فارسی در بیان تمامی ظرافت ها اشاره کردند و خطاب به مسئولان و گویندگان خبر صدا و سیما فرمودند: خبر رایج ترین سخن یک رسانه است و متون خبری باید از زیبایی ها ی ادبی و نگارشی برخوردار باشند و با هنرمندی و در نهایت زیبایی و گستردگی ارائه شوند تا همه مردم آن را بفهمند و این کاری هنری است که باید به آن اهمیت داده شود^۲. - اتفاقاً یادم است که او می خواست راجع به «جاحظ» صحبت کند. اسم جاحظ، «عمرو بن بحرین محبوب» است؛ ولی او «عمر بن بحرین محبوب» خواند! وقتی آدم جاحظ به این معروفي را این طوری بشنود، واقعاً خیلی جوش می خورد. ای کاش آن وقتی که غلطی گفته می شود، کسی غیر از من شنونده نباشد. ممکن است شنونده‌تان، یک ادیب، یک فاضل، یک منتقد نظام، یا یک دشمن شما باشد. من خوفم از دشمنان شماست که نگویند ببینید اینها با زبان فارسی چه می کنند. بنابراین، زبان فارسی واقعاً خیلی مهم است. باید مراقبت و دقت گردد و برای کسانی که خوبند، جایزه گذاشته بشود^۳. - شما در خراسان برای مردم تاجیک - چه تاجیک های شمال افغانستان که فارسی زبان اند، چه مردم تاجیکستان که الان بعد از هفتاد، هشتاد سال دارند احساس فارسی بودن می کنند - برنامه پخش می کنید. هیچانی در آن مردم وجود دارد که می خواهند زبان فارسی را، زبان رودکی را - که متعلق به خودشان هم است - یا زبان شعرای برجسته و ادبای قدیمی ما را به خودشان نسبت دهند؛ این را شما باید توجه داشته باشید و جذب کنید. هرچه بشود برنامه فارسی خوب پخش کنید، هرچه بشود به خصوص در آن منطقه از زبان فارسی صحیح و بدون غلط استفاده کنید، این به نفع ماست؛ یعنی به نفع همان هدف هایی است که عرض شد. حتی در ازبکستان و ترکمنستان عده‌ای فارسی زبان هستند؛ به مناسبت سیاست هایی که اتحاد جماهیر

^۱ . بیانات در دیدار مسئولان بخش های خبری صداوسیما ۲۱/۱۲/۱۳۶۹

^۲ . دیدار مدیران بخش های خبری صدا و سیما با رهبر انقلاب ۲۱/۱۲/۱۳۶۹

^۳ . بیانات در دیدار مسئولان صدا و سیما ۰۷/۰۵/۱۳۶۹

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
			شوروی داشته، اینها تقسیم شده‌اند. سمرقند و بخارا جزو تاجیکستان نیست؛ ولی زبان‌شان تاجیکی و فارسی است. فارسی زبان هایی که الان در منطقه آسیای میانه هستند، متفرق اند و در یک جا جمع نیستند. همین‌طور به طرف غرب که می‌رویم، زبان ترکی آذربایجانی اهمیت پیدا می‌کند. - به عکس، هرچه می‌توانید، دعا و ترجمه دعا و مفاهیم دعا را که به زبان خوب بیان شده باشد، بگذارید. البته من نگاه می‌کنم، می‌بینم که این سبک دعاخوانی عربی هم که گاهی بعد از اذان پخش می‌شود، نه مردم ما خیلی از آن چیزی می‌فهمند، نه از آن خوششان می‌آید و نه در آنها حال ایجاد می‌کند؛ همان سبک دعاخوانی فارسی - که مدت ها بعد از اذان صبح در شبکه سراسری رادیو می‌گذاشتند و حالا هم مدت هاست که متأسفانه مرتب نمی‌گذارند - بیشتر حال ایجاد می‌کند. مقصود این است که هرچه بیشتر بتوان آن مفاهیم را به مردم رساند. فقط صرف دعاخوانی هم نباشد؛ چنانچه همان مفاهیم دعا بیان بشود، بسیار مفید است^۱. - آن مردِ مجذوبِ مفتونِ دانش غربی‌ها می‌گفت: ما باید از فرق سر تا نوک پا غربی شویم. چرا؟ ما ایرانی هستیم و باید ایرانی بمانیم. ما مسلمانیم و باید مسلمان باشیم. آنها بیشتر از ما علم دارند؛ خوب، ما می‌رویم علمشان را یاد می‌گیریم؛ چرا باید عادات و فرهنگ و رفتار و آداب معاشرت آنها را یاد بگیریم؛ این چه منطق غلطی است؟ چون آنها به دلیلی باید چیزی به نام کراوات دور گردنشان ببندند - که البته ما نمی‌گوییم شما چرا کراوات می‌بندید؛ کراوات مال آنهاست - آیا ما هم باید از آنها تقلید کنیم؟ منطق ما برای این کار چیست؟ چرا ما لباس و رفتار و آداب معاشرت و حرف زدن و حتی لهجه آنها را تقلید کنیم؟ من گاهی می‌بینم در تلویزیون گزارشگر ما از فلان نقطه دنیا دارد به زبان فارسی گزارش می‌دهد و مطلب مربوط به ایران است؛ اما زبان فارسی را طوری حرف می‌زند مثل اینکه یک انگلیسی دارد به زبان فارسی حرف می‌زند! این، ضعف نفس و احساس حقارت است؛ چرا من باید به‌خاطر ایرانی بودنم احساس حقارت کنم؟ من به زبان خودم افتخار می‌کنم؛ من به فرهنگ خودم افتخار می‌کنم؛ من به وطن و کشور و گذشته خودم افتخار می‌کنم؛ چرا باید از آنها تقلید کنم؟ برای تقلید از آنها دلیلی ندارم. علم آنها بیشتر است؛ خیلی خوب، ما علمشان را یاد می‌گیریم و اگر هزینه‌ای هم داشته باشد، می‌پردازیم. اینها هم اتفاقاً یاد گرفته‌اند که علم را باید با پول عوض کرد. امروز بیشترین چیزی که برای غربی‌ها مطرح است، پول است^۲. - زبان صداوسیما باید فارسی درست و به راستی زبان معیار باشد. غلط گوئی و غلط خوانی یکسره از بین برود، و صداوسیما آموزنده زبان شیرین و رسا و پرتوان فارسی باشد. در این باره تلاش هائی شده است و باید تکمیل گردد^۳. - من البته نکاتی را در ارتباط با مطبوعاتمان یادداشت کرده‌ام که نشانگر ضعف‌های موجود این رسانه است. حضور نداشتن قوی در مسائل بین‌المللی، نبود تحلیل‌های قوی، ضعف کارهای هنری و ضعف زبان فارسی، از آن جمله است. خوب؛ کاغذی را که شما در هیئت روزنامه یا مجله به دست خواننده می‌دهید، برای او «لغتِ امام» یعنی «زبان معیار» می‌شود. این را چگونه می‌خواهید تهیه کنید؟ آن وقت ناله سر می‌دهیم که زبان فارسی چنین و چنان شد! مگر نه اینکه از مطبوعات باید زبان فارسی را درست کرد؟ مطبوعات، از این جهت، از صدا و سیما مهم‌تر است.

^۱ .بیانات در دیدار مدیران مراکز سازمان صدا و سیما در استان‌ها ۰۷/۱۲/۱۳۷۰

^۲ .بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان همدان ۱۷/۰۴/۱۳۸۳

^۳ .انتصاب دکتر علی لاریجانی به ریاست سازمان صدا و سیما ۲۴/۱۱/۱۳۷۲

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
			من البته راجع به زبان فارسی، سال هاست - شاید ده سال بیشتر است - که با صدا و سیما بحث و بگو مگو دارم؛ برای اینکه در آن زمینه پیشرفت کنند؛ کارهایی بکنند و اشکالات را بر طرف سازند. اما روزنامه‌ها، از این جهت از صدا و سیما مهم ترند. چون مخاطبین آن رسانه، در زمینه زبان فارسی و نکات و ظرایف زبانی و دستوری، فقط از طریق گوش ارتباط دارند و مواردی که عنوان می شود، لحظه‌ای و گذراست. اما مطبوعات در خانه و کاشانه ما، برای مدت ها می مانند؛ افراد متعددی آن را می خوانند و در آن تعمق می کنند. - یکی دیگر از ضعف های مطبوعات ما، تقلید کورکورانه از کارهای غرب است. گفتیم که روزنامه‌های غرب، از ما قوی تر و پخته‌ترند؛ اما معنایش این نیست که ما شکل عنوان گزینی خود را هم مانند آنها کنیم. فرض بفرمایید کیفیت دستور زبان انگلیسی، مثلاً در عقب و جلو بودن عناصر جمله، با زبان فارسی فرق می کند. آنها طبق دستور و قاعده زبان خودشان، شکل عنوان را مشخص می کنند. چه لزومی دارد که ما در زبان فارسی عیناً همان را تقلید کنیم؟! در بعضی از روزنامه‌ها می بینیم که عیناً از شکل عنوان گزینی روزنامه‌های امریکایی و انگلیسی تقلید می کنند؛ که البته از ما بدتر در این زمینه، عرب ها هستند! چه لزومی دارد این کار را بکنیم؟! فارسی، زبانی غنی و شیرین است. هزار شیوه در کار فارسی گویی و فارسی نویسی برای عنوان زدن وجود دارد. خوب؛ از این شیوه‌ها استفاده کنیم. البته آنها بعضی از کارهای خوب هم می کنند که باید یاد گرفت. مثلاً خوش آهنگ کردن عناوین در بین مطبوعات انگلیسی، امر بسیار رایجی است. یعنی عنوان های خوش آهنگ با سجع های آغاز کلام می زنند. البته سجع ما، نه در آغاز که در پایان کلام و جمله است. آنها از این کارها می کنند، که خوب است. این کارها را اگر به طور محدود تقلید کنیم، منعی ندارد؛ گرچه تقلید یکسره، جایز نیست^۱.
۵	زبان علم و فارسی:	الف) تاکید بر زبان علم شدن فارسی: ۱- ملزم شدن دانشمندان به یادگیری زبان فارسی برای دستیابی به نظریه های علمی و اختراعات ۲- زبان علم شدن فارسی، نشانه پیشرفت چشمگیر ایران ب) لزوم برنامه ریزی برای تبدیل کردن زبان فارسی به زبان علم ج) تولید علم در کشور برای افزایش نفوذ زبان فارسی د) تولید آثار تحقیقاتی برای گسترش زبان فارسی	- « من مکرر گفته‌ام، ملت ما باید به جایی برسد که دانش پژوهان عالم، برای اینکه به قله‌های علم دست پیدا کنند، مجبور باشند زبان فارسی یاد بگیرند؛ این یک جایگاه تعریف شده است. ما ممکن است پنجاه سال دیگر به اینجا برسیم؛ باشد. اگر بخواهیم به این جایگاه تعریف شده دست پیدا بکنیم، راه آن این است که از دانش، از هوش، از قدرت تحرک بالا، از قدرت ابتکار و از عزم راسخ در همه بخش ها استفاده کنیم و بهره بگیریم. باید اقتصاد را بالا آورد، و بالا آمدن اقتصاد بدون رشد فرهنگی، نه ممکن است، نه مفید؛ فرهنگ هم بایستی تعالی پیدا کند، ترقی پیدا کند^۲. - وقتی ما می گوئیم مرزهای علم را باید بشکافیم و باید از سخن روز علم یک قدم جلوتر برویم، این برای بعضی باورنکردنی است. وقتی من می گویم ما باید به آنجا برسیم که اگر در اکناف عالم یک پژوهشگر، یک دانشمند، بخواهد به فلان نظریه علمی یا نظریه فلسفی دست پیدا کند، ناچار باشد زبان فارسی را یاد بگیرد، بعضی با نگاه انکارآمیز به این نگاه می کنند. من معتقدم و می بینم در مقابل خودم که چنین چیزی شدنی است. ما اگر همت کنیم، می توانیم تا بیست سال دیگر، تا سی سال دیگر، کاری کنیم که وقتی نام‌آوران عرصه علم و فناوری را در دنیا نام می‌آورند، ایرانیان و کشور ما در صدر قرار بگیرد؛ می توانیم این کار را بکنیم؛ ما استعدادمان خیلی خوب است؛ همه چیز این را گواهی می دهد. آنچه ما کم داشتیم - که انقلاب

۱. بیانات در دیدار مدیران و مسئولان مطبوعات کشور ۱۳/۰۲/۱۳۷۵

۲. بیانات در دیدار کارگران در گروه صنعتی مپنا ۱۰/۰۲/۱۳۹۳

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
			به ما داد - اعتماد به نفس بود؛ ما امروز اعتماد به نفس پیدا کرده‌ایم. جریان علمی کشور، خوشبختانه جریان خوبی است؛ این جوان‌های ما امروز اعتماد به نفس دارند^۱. - آن روزی را باید دنبال کنیم که اگر در دنیا دانشمندی خواست یک نظریه علمی را بفهمد، بشناسد، حل کند و با یک اختراع آشنا شود، مجبور شود زبان فارسی را یاد بگیرد. من این مطلب را داخل پرنتر بگویم؛ هفته گذشته به یک مشت جوان که اینجا آمده بودند، گفتم آن روزی را باید دنبال کنیم که اگر در دنیا دانشمندی خواست یک نظریه علمی را بفهمد، بشناسد، حل کند و با یک اختراع آشنا شود، مجبور شود زبان فارسی را یاد بگیرد^۲. - اینکه من گفتم زبان فارسی - که مجری محترم برنامه اشاره کردند- منظورم بحث زبان فارسی نیست؛ البته زبان فارسی خیلی چیز ارزشمندی است و ما در جای خود درباره‌اش زیاد تأکید کرده‌ایم، حرف من این است که ما از لحاظ علمی به جایی برسیم که دیگری اگر بخواهد آن دانش را و آن رتبه بالا را یاد بگیرد مجبور باشد بیاید زبان فارسی یاد بگیرد. همچنان که شما امروز در بخشی از علوم اگر بخواهید به تازه‌های علمی دست پیدا کنید مجبورید زبان انگلیسی یا زبان فرانسه را مثلاً یاد بگیرید؛ حرف من این است؛ ما باید کشور را به اینجا برسانیم. بله، ما انرژی داریم، توان داریم، ظرفیت داریم، عقب هستیم اما خودمان را به جلو می‌رسانیم؛ کم‌اینکه خیلی عقب‌تر بودیم، خودمان را به اینجا رساندیم که امروز هستیم. حرف من این است^۳. بنده در یکی از همین ملاقات‌ها به دانشجویها گفتم شما برای پنجاه سال آینده برنامه ریزی کنید؛ توقع ما این است. منظورم در زمینه علم است. هدف را این قرار بدهیم که پنجاه سال بعد، کشور شما یکی از مراجع عمده و درجه اول علمی دنیا باشد؛ به طوری که اگر کسی خواست با تازه‌های دانش آشنا شود، مجبور بشود زبان ملی شما را یاد بگیرد؛ همچنانی که این دختر عزیزمان گفتند که ما مجبوریم زبان بین‌المللی را یاد بگیریم؛ راست هم می‌گوید. انگلیسی‌ها با زنگی زبان خودشان را زبان علم و زبان بین‌المللی کرده‌اند و هر چه شما می‌خواهید یاد بگیرید و هر چه می‌خواهید بخوانید، مجبورید زبان آنها را یاد بگیرید. شما کاری کنید که در پنجاه سال آینده، همین نیاز به زبان فارسی شما باشد. این، یک آرزوست؛ یک قله است؛ مثل قله دماوند، مثل قله توچال، که نگاه کردن به آن، هیجان انگیز است؛ شوق رسیدن به آن، در دل همه به وجود می‌آید؛ اما چه کسانی می‌رسند؟ باید کفش و کلاهش را آماده کنید؛ بیشتر از آن، باید همتش را آماده کنید و راه بیفتید^۴. - یک نکته دیگری هم که من یادداشت کرده‌ام و خوب است که تکرار کنم، این است: از پیشرفت علمی در کشور برای گسترش و نفوذ زبان فارسی استفاده شود. زبان خیلی مهم است برادران و خواهران عزیز! اهمیت زبان ملی یک کشور برای خیلی‌ها هنوز دانسته و شناخته نیست. زبان فارسی باید گسترش پیدا کند. باید نفوذ فرهنگی زبان فارسی در سطح جهان روز به روز بیشتر شود. فارسی بنویسید، فارسی واژه‌سازی کنید و اصطلاح ایجاد کنید. کاری کنیم که در آینده، آن کسانی که از پیشرفت‌های علمی کشور ما استفاده می‌کنند، ناچار شوند بروند زبان فارسی را یاد بگیرند. این افتخاری نیست که ما بگوئیم حتماً زبان علمی کشور ما فلان زبان خارجی است. زبان فارسی اینقدر ظرفیت و گنجایش دارد که دقیق‌ترین و ظریف‌ترین علوم و دانش‌ها می‌توانند

^۱. بیانات در دیدار جمعی از نخبگان استان کرمان ۱۴۰۲/۱۳۸۴

^۲. بیانات در دیدار جمعی از مخترعان جوان ۳۰/۰۱/۱۳۸۴

^۳. بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها ۲۹/۰۳/۱۳۹۵

^۴. بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان ۱۸/۰۸/۱۳۸۵

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
			با این زبان بیان شوند. ما زبان پُرظرفیتی داریم. کماینکه بعضی از کشورهای اروپائی هم نگذاشتند زبان انگلیسی تبدیل شود به زبان علمی آنها - مثل فرانسه، مثل آلمان - اینها زبان خودشان را به عنوان زبان علمی در دانشگاه هایشان حفظ کردند. مسئله زبان، مسئله بسیار مهمی است؛ واقعاً احتیاج دارد به اینکه حمیت به خرج دهید. یکی از اهتمام هائی که دولت های آگاه و هوشیار در دنیا انجام می دهند، تکیه بر روی گسترش زبان ملی شان در دنیاست. متأسفانه با غفلت خیلی از کشورها، این کار اتفاق نیفتاده؛ حتی زبان های بومی راه زبان های اصلی بسیاری از ملت ها را به کلی از بین برده یا تحت الشعاع قرار داده‌اند. - من در یکی از جلسات دانشجوها گفتم شما فکر این را بکنید که پنجاه سال دیگر کشور شما باید جایی باشد که هر کس به یک پیشرفت علمی احتیاج دارد، ناگزیر باشد زبان فارسی یاد بگیرد؛ یعنی کشور شما آن قدر اثر علمی و تحقیقاتی تولید کند که همین طور که امروز زبان انگلیسی عمده‌تاً به برکت پیشرفت فناوری امریکا و بعضی از کشورهای دیگر در دنیا رایج شده، شما بتوانید زبان فارسی را به تبع رشد علمیتان در دنیا رایج کنید. شما باید بتوانید در قله قرار بگیرید؛ این شدنی است و اگر همت بگذاریم، قطعی است^۱.
۶	انقلاب اسلامی ایران و زبان فارسی:	۱- انقلاب اسلامی ایران، مروج زبان فارسی ۲- زبان دوم دانشگاهی شدن فارسی در نقاطی از دنیا به برکت انقلاب ۳- زبان فارسی، حامل و رسانه پیام انقلاب	«البته بعد از انقلاب، تا حدودی تکان خورد. امروز در مناطق جزیره‌العرب - اینها که عرض می کنم، اطلاع است، حدس و تخیل نیست؛ خبر دارم - عربی که مثلاً اهل منطقه احسا و قطیف است، که هیچ وقت ممکن نبود یک کلمه فارسی هم یاد بگیرد، با نشستن پای رادیو و تلویزیون فارسی ایران - که تلویزیون را با بشقاب می گیرد - زبان فارسی می آموزد؛ یعنی میتواند فارسی حرف بزند. آن قدر پای رادیو و تلویزیون فارسی می نشینند، تا بتوانند به تدریج فارسی یاد بگیرند! یعنی انقلاب، زبان را منتشر کرد. امروز به برکت انقلاب در نقاطی از دنیا، زبان فارسی به عنوان زبان دوم دانشگاهی یا به عنوان زبان رشته اختصاصی، باز مورد توجه قرار گرفته است. انقلاب پیام و سخنی دارد؛ کسی که مسلمان است، پیام اسلام را از انقلاب می گیرد، کسی هم که مسلمان نیست و بالاخره پیام نور را از انقلاب می گیرد، دلش می خواهد - مثلاً - بداند که امام و پدر این انقلاب، وقتی حرف می زد، چه می گفت که در ترجمه نمی شود فهمید؛ لذا زبان فارسی یاد می گیرند. امروز این طور است^۲. - من خیال می کنم الان کسانی که در مجموعه نظام هستند، قدر زبان فارسی را بیشتر می دانند؛ علتش هم این است که امروز ایران معتقد است برای دنیا پیامی دارد؛ و آن اسلام انقلابی ماست. امروز اعتقادمان این است که برای دنیا پیامی داریم. این پیام، یک حامل و رسانه درستی می خواهد؛ و آن جز زبان، چیز دیگری نیست. چون به این پیام فکر می کنیم، این زبان بایستی بتواند واژه‌ها و اصطلاحات مخصوص ما را منعکس کند؛ اصطلاحاتی که مقصود انقلاب را برآورده می کند و تفکرات نظام را منعکس می نماید. پس، امروز ما به یک زبان قوی و جالافتاده و پُرظرفیت احتیاج داریم؛ و آن زبان فارسی است، که بحمدالله در دسترس ما هم هست^۳.

۱. بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان سراسر کشور ۱۳۸۴/۰۷/۰۳.

۲. بیانات در دیدار مسئولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۷۷/۰۲/۲۳.

۳. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی ویرایش زبان فارسی در صدا و سیما ۱۳۷۰/۰۹/۱۸.

ج - پرسشی ها و شبهه‌هایی که در بیانات درباره اهمیت زبان فارسی پاسخ داده شد

ردیف	عنوان پرسشی یا شبهه	محور پاسخ	پاسخ رهبر انقلاب به استناد عین عبارات
۱	مرز زبان فارسی در گذشته؟	از چین تا روم و آسیای صغیر	«همان‌طور که اشاره کردید، یک روز از چین تا روم و همین آسیای صغیر، مرز زبان فارسی را تشکیل می دادند. انسان می بیند که در دوران عثمانی، دیوان و مکاتبات آنها به زبان فارسی بوده است و شعری به زبان فارسی داشتند. بهترین شعرای بخشی از دوران عثمانی، شعرای فارسی گو هستند؛ وضع هند و شبه قاره هند هم که معلوم است. بنابراین، نفوذ زبان فارسی بسیار بوده است».
۲	نفوذ زبان فارسی در دستگاه عثمانی چگونه بود؟	زبان اداری و مذهبی و ادبیات و هنر بود	«البته روزی از قسطنطنیه، یا از استانبول تا آسیای شرقی، بُرد ادبیات ما بود. خوب؛ زمانی این‌طور بوده است؛ زبان فارسی، زبان دیوانی کشور عثمانی بود. در همان زمانی که کشور عثمانی دائماً با ایران جنگ داشت، نفوذ زبان فارسی آن‌چنان بود که منشی و دبیر دستگاه عثمانی کار خودش را با خط فارسی، با عنوان فارسی، با تعبیر و زبان فارسی و با شعر فارسی راه می انداخت! از این طرف هم - طرف شرق - حتی تا هند و چین، زبان فارسی بُرد داشت. زبان مذهبی بود؛ زبان اداری، زبان دبیران و منشیان و زبان ادبیات و هنر بود».
۳	علت نفوذ زبان فارسی چه بود؟	ترکیب و شیوایی ویژه و آهنگی که این زبان دارد	«نمی شود باور کرد که نفوذ زبان فارسی به خاطر قدرت سیاسی کشور فارسی زبان است. آن روزی که زبان فارسی در هند زبان رسمی بود، پادشاهان مغولی هند و تیموری ها، اگر از سلاطین صفویه - که در ایران بودند - مقتدرتر نبودند، قدرت کمتری نداشتند. اورنگ زیب از معاصر خودش در ایران به مراتب قوی تر بود؛ یعنی یک کشور بسیار ثروتمند در اختیارش بود؛ از لحاظ سیاسی قوی بود و تقریباً بر تمام منطقه شرق آسیا نیز مسلط بود؛ اما زبان آن مردم، زبان فارسی بود. نمی شد گفت که زبان فارسی را که خود این سلاطین و خانواده‌ها و دیوان ها و زنان و رعیتشان با شوق و ذوق می پذیرفتند، به خاطر این می پذیرفتند که مثلاً کشور ایران و حکومت صفوی یا حکومت نادری روی آنها نفوذ داشتند؛ نخیر، مسأله نفوذ سیاسی نیست؛ بایستی در چیز دیگری جستجو کرد... بنابراین، علت نفوذ زبان فارسی در چیز دیگری است؛ شاید یک مقدار در خود ذات این زبان است؛ یعنی ترکیب و شیوایی ویژه و آهنگی که این زبان دارد».
۴	چه کسانی زبان فارسی را در هند ممنوع کردند؟	انگلیسی ها	«در شبه‌قاره هند، زبان فارسی چند قرن زبان رسمی بود؛ تمام نوشتجات، مکاتبات دستگاه‌های حکومتی، دولتی، مردم، دانشوران، مدارس عمده، شخصیت های برجسته، با زبان فارسی انجام می گرفت. انگلیس‌ها آمدند زبان فارسی را با زور در هند ممنوع کردند، زبان انگلیسی را رائج کردند. شبه‌قاره هند که یکی از کانون های زبان فارسی بوده، امروز در آنجا زبان فارسی غریب است؛ اما زبان انگلیسی، زبان دیوانی است؛ مکاتبات دولتی با انگلیسی است، حرف زدن غالب نخبگان با انگلیسی است - باید انگلیسی حرف بزنند - این تحمیل شده. در همه کشورهایی که انگلیس‌ها در دوران استعمار در آنجا حضور داشتند، این اتفاق افتاده است؛ تحمیل شده است. ما زبان فارسی را بر هیچ جا تحمیل نکردیم. زبان فارسی که در هند رائج بود، به وسیله خود هندی‌ها استقبال شد؛ شخصیت های هندی، خودشان به زبان فارسی شعر گفتند».

ردیف	عنوان پرسش یا شبهه	محور پاسخ	پاسخ رهبر انقلاب به استناد عین عبارات
۵	یکی از عوامل گسترش زبان فارسی در دنیا؟	بار معنایی و همراهی آن با پیام دین	«علت دیگر نفوذ زبان فارسی، آن بار معنایی است که این زبان با خودش حمل می کند. زبان فارسی، فرهنگ غنی ای را با خودش می برده است؛ این فرهنگ امروز در اختیار ماست؛ عمدتاً هم فرهنگ اسلامی است؛ یعنی اسلام در این منطقه شرق عالم، از شبه قاره گرفته تا چین و تا هر جای دیگر که رفته، با زبان فارسی رفته است. خیلی نزدیک به نظر می آید که یکی از عوامل گسترش زبان فارسی در دنیا - و لااقل در این ناحیه - همراهی آن با دین و پیام دین و معارف دینی باشد؛ یعنی آن کسی که این دین و این معارف را می پذیرد، زبانی را هم که حامل آن است، می پذیرد».
۶	آیا ادبیات امری تشریفاتی است؟	خیر، ضروری و مهم است	«آن دستگاه هایی که مباشر امور ادبیات هستند، باید اثبات کنند که ادبیات، فقط یک سرگرمی و یک امر تشریفاتی و زایدی در زندگی نیست؛ بلکه یک چیز ضروری است. فرض بفرمایید ما امروز مایلیم که آن ملت هایی که در اطراف عالم با فرهنگ و ادبیات ایرانی آشنا بودند، این ارتباط و اتصالشان محفوظ بماند. می دانید که استعمار ده ها سال متمادی - شاید در بعضی جاها قرن ها - تلاش کرد تا آثار فرهنگ ایرانی را که در خیلی از نقاط دنیا وجود داشت، بزداید؛ مثلاً در هند این معنا کاملاً واضح است. آن وقتی که کمپانی انگلیسی هند شرقی وارد هند شد، یکی از اولین تلاش هیش این بود که زبان فارسی را کنار بزند. این زبان اردو را که ملاحظه می کنید، ابتدا رسمی کردند، برای اینکه زبان فارسی را کنار بگذارند؛ بعد خود زبان اردو را هم کنار زدند و زبان انگلیسی را زبان رسمی کردند! از اوایل قرن نوزدهم این کار شروع شده و تا امروز هم ادامه دارد. اگر شما امروز به هند تشریف ببرید و با مردم غیر طبقات پایین انگلیسی حرف بزنید، همه آن را می دانند؛ چون زبانشان است. زبان رسمی، زبان دولتی و زبان اداری، زبان انگلیسی است؛ یک روز همین ها زبان فارسی بوده است؛ یعنی زبان رسمی، زبان حکومت، زبان دیوان، زبان مراسلات و احکام و قوانین، فارسی بوده است. حالا ما می خواهیم این را برگردانیم؛ به چه وسیله ای می شود این زبان را برگرداند؟ ما گلستان سعدی و دیوان حافظ و کتاب های فارسی همان چیزهایی که از نسل های گذشته، این زبان و ادبیات و فرهنگ را دارند منتقل می کنند، می فرستیم؛ آنها هم استقبال می کنند و می خوانند؛ این نقش ادبیات است، که به نظر بنده بسیار حایز اهمیت است؛ این را شما باید در محیط های ادبیاتی اثبات کنید».
۷	آیا زبان فارسی نماد ملیت ایران نیست؟	چرا هست؛ بر این موضوع باید تکیه شود.	«مسائل گوناگونی مطرح می شود. توصیه من این است که در زمینه علاقه به ایران، علاقه به کشور و گرایش به ایران، چند نکته را توجه داشته باشید. یکی اینکه مهم ترین بخش مربوط به کشور، زبان و ادبیات است. علاقه به ایران، این جوری تحقق پیدا می کند. ما در کشور زبان های مختلفی داریم؛ اما زبان ملی، فارسی است. آن کسانی که زبان های مختلف دارند، خودشان جزو مروجین درجه یک زبان فارسی هستند. بهترین مقالات را در زمینه زبان فارسی، ترک زبان ها نوشتند؛ این را من از روی اطلاع دارم عرض می کنم... م. ان شاء الله کردها هم می نویسند؛ حرفی نیست، ما استقبال می کنیم. محققین برجسته ترک زبان کشور، در

ردیف	عنوان پرسش یا شبهه	محور پاسخ	پاسخ رهبر انقلاب به استناد عین عبارات
			طول دهه‌های گذشته، بهترین و قوی‌ترین مقالات را در زمینه زبان فارسی نوشتند. بنابراین نباید تصور شود که زبان فارسی نماد ملیت ایران نیست؛ چرا، هست. روی این موضوع تکیه شود».
۸	چرا زبان فارسی رشد لازم را نکرد؟	در کار زبان فارسی تقصیر شده است	«باید اعتراف کنیم که در کار زبان فارسی تقصیر شده است. نه فقط در این چند ساله اول پیروزی انقلاب که هرکسی به کاری مشغول بود، به این مهم چندان پرداخته نشد، بلکه در گذشته نیز تقصیرهای بزرگ تر و بیش تری صورت گرفت و با اینکه در این کشور ادبا و شعرا و فارسی دانان و فارسی گویان بزرگی بودند، اما در این سنین متمادی، زبان فارسی آن رشدی را که بایستی می کرد و آن سعه ای را که در دنیا باید پیدا می کرد، پیدا نکرد».
۹	فارسی هند یعنی چه؟	فارسی هند غلط است	«لان شما زبان شعرایی که در هند زندگی کرده‌اند - حتی نثر هندی را - ملاحظه کنید. پدر مرحوم میرحامد حسین هندی - صاحب «عبارات» - کتابی نوشته است، که در مقدمه آن کتاب، ناشر هندی شرحی در باب زبان فارسی در هند بیان می کند و می گوید این نثری که شما می بینید، نثر فارسی هند است؛ برای اینکه من فارسی ایرانی وقتی این را می خوانم، استعجاب نکنم! این یک منطق است؛ اما منطق بسیار صوری و سطحی است. فارسی هند یعنی چه؟! فارسی هند غلط است. حالا که به آنجا رفته و این شکلی شده، نباید گفت این فارسی هند است، بپذیرید! هند که جزو خاستگاه های زبان فارسی نیست. باید نگاه کنند، ببینند فارسی ایران چیست، فارسی خراسان چیست، فارسی فارس چیست، تا از آن، فارسی را درست کنند؛ معیار این است. وقتی زبان رنگ غربت گرفت، طبعاً یک مقدار خراب می شود. ما باید در اینجا آن چنان بنیه زبان را قوی کنیم، که در آنجاها هم قابل استفاده باشد؛ و وقتی رفت و دچار آن شکستگی ها شد، تبدیل به زبان دیگری نشود».
۱۰	علت انحطاط زبان فارسی قبل از انقلاب چه بود؟	تبری جستن متصدیان امور از زبان فارسی	«امروز این دایره محدود شده است. البته بعد از انقلاب مقداری گسترش پیدا کرده؛ ولی قبل از انقلاب بر اثر تنگ‌نظری و نادانی و بی سوادی مسئولان کشور در دوره اواخر قاجار تا آخر زمان محمدرضا پهلوی، زبان و ادبیات فارسی انحطاط پیدا کرد. با اینکه ما در همین دوره، انصافاً شخصیت های خوب ادبی، شاعر و نویسنده بزرگ هم داشتیم، لیکن از لحاظ گسترش سیاسی و از لحاظ قدر و قیمت بین‌المللی، در پایین ترین وضعیت قرار گرفتیم! علت هم این بود که در مهد زبان فارسی - یعنی ایران - کسانی که متصدیان امور بودند، از زبان فارسی تبری می جستند! این نهایت انحطاط است. عده‌ای راجع به تغییر خط حرف می زدند و عده‌ای در مورد به کار بردن لغات و اصطلاحات فرنگی افتخار می کردند و خودشان را در مقابل آن کوچک می دانستند! آنجایی هم که می خواستند فارسیس ازی کنند، حتی لغت‌سازی فارسی شان نوعی اظهار ارادت به لغت بیگانه بود».
۱۱	آیا غلط مشهور بهتر از صحیح مهجور است؟	این در جاهایی درست است	«گفته می شود که «غلط مشهور» بهتر از «صحیح مهجور» است؛ البته این در جاهایی درست است. در این ترکیباتی که یک وقت عوامی آمده حرفی را زده، عوام دیگری هم از او تقلید کرده و عوام هایی نیز آن را پی درپی گفته‌اند، واقعاً نمی شود این را ملاک قرار داد و گفت چون معروف

ردیف	عنوان پرسش یا شبهه	محور پاسخ	پاسخ رهبر انقلاب به استناد عین عبارات
			شده، ما این را قبول داریم؛ باید حذفش کرد؛ و آلا زبان به کلی ضایع خواهد شد».
۱۲	چرا در هواپیماهای ایران به انگلیسی حرف می زنند؟	ما باید واژه بگذاریم، تا زبان در محیط هایی این گونه منزوی نشود.	«الان شما در ایران سوار هواپیما می شوید و می بینید کسی که در برج مراقبت هست و یک ایرانی است، با این خلبان که او نیز یک ایرانی است، حتماً انگلیسی حرف می زند! بنده گفتم در آن هواپیمایی که من سوار می شوم، این کار ممنوع است! چرا فارسی حرف نمی زنند؟! آخر یک وقت هست که شما با یک برج بیگانه - که او مثلاً چینی است و شما فارس هستید و زبان یکدیگر را نمی دانید - از زبان مشترک انگلیسی استفاده می کنید؛ اما بنده مثلاً به مشهد که م بروم، به چه مناسبت شما انگلیسی حرف می زنید؟! علتش این است که واژه ها انگلیسی است و اینها فقط باید این واژه ها را به یکدیگر ربط بدهند؛ خودشان را دیگر دچار زحمت نمی کنند؛ همان ربط انگلیسی را می دهند! پس ما باید واژه بگذاریم، تا زبان در محیط هایی، این گونه منزوی نشود؛ که متأسفانه منزوی شده است».
۱۳	نوشتن اسم فارسی با خط لاتین؟	دست اندرکاران در این باره مسئولیت سنگینی دارند.	«اسم فارسی را با خط لاتین می نویسند! خب چرا؟ چه کسی می خواهد از این استفاده کند؟ آن کسی که زبانش فارسی است یا آن کسی که زبانش خارجی است؟ اسم فارسی با حروف لاتین! یا اسم های فرنگی روی محصولات تولید شده داخل ایران که برای من عکس هایش را و تصویرهایش را فرستادند! خب چه داعی داریم ما این کار را بکنیم؟ بله، یک وقت شما یک محصول صادراتی دارید، آنجا در کنار زبان فارسی - فارسی هم باید باشد البته؛ هرگز نایستی از روی محصولات ما زبان فارسی برداشته بشود - البته زبان خارجی هم به آن کشورهایی که خواهد رفت، اگر زبان دیگری دارند نوشته بشود، اما محصولی در داخل تولید می شود، در داخل مصرف می شود، چه لزومی دارد؟ روی کیف بچه های دبستانی چه لزومی دارد که یک تعبیر فرنگی نوشته بشود؟ روی اسباب بازی ها همین جور؛ من واقعا حیرت می کنم. این جزو چیزهایی است که شما خیلی درباره اش مسئولیت دارید».
۱۴	چرا کلمات عربی در فارسی به کار می بریم؟	جزو زبان فارسی شده اند	«من از آن آدم هایی نیستم که معتقد باشم چون کلمه عربی است، باید آن را کنار گذاشت؛ نه، کلمه عربی است، اما به قول مرحوم آل احمد، جزو زبان من است. او می گفت، به من اعتراض می کنند که چرا کلمات عربی به کار می بری؟ در پاسخ می گفت که این جزو زبان من است؛ عربی نیست، بیگانه نیست؛ حالا اصلش متعلق به هر جا باشد. من آن اعتقاد را ندارم؛ اما چرا زبان ما با این سعه عظیم و با این گسترش فراوان - که بلاشک از این جهت، از زبان عربی بازتر و پُرکشش تر است و ترکیب پذیری خوبی دارد - بایستی در یک کلمه گیر کند؟ بهر حال، ما معادل فارسی «ملت» را هم نداریم؛ چاره ای نداریم؛ بایستی کلمه «ملت» را بگذاریم. غرض، می خواهم عرض بکنم که مسئله ویراستاری، این قدر حساس است».
۱۵	زبان به این خوبی را چرا با تغییرات غلط، آن هم در رادیو و تلویزیون، خرابش	مسئله زبان در رادیو و تلویزیون، مسئله بسیار مهمی است	«زبان فارسی، علاوه بر گسترش و ترکیب پذیری خودش، زبان بسیار خوب و شیرین و پُرگنجایشی است و مثل یک بادکنک، صد برابر حجم فعلی خودش، قابل گسترش است؛ اما زبان عربی، این طوری نیست. زبان

ردیف	عنوان پرسش یا شبهه	محور پاسخ	پاسخ رهبر انقلاب به استناد عین عبارات
	کنیم؟		عربی، مثل یک جوال بزرگ است؛ همانی است که هست و گسترش و قابلیت اتساعش کم است. زبان فارسی، کوچک تر از آن است؛ اما قابلیت اتساعش خیلی زیاد است. این زبان قابل اتساع و توانا، علاوه بر آنکه نصف زبان عربی هم الان جزوش است، همه ظرافت ها را می تواند بیان کند. زبان به این خوبی را چرا با تعبیرات غلط، آن هم در رادیو و تلویزیون، خرابش کنیم؟ پس ببینید، درست گویی مهم است. علی ای حال، مسئله زبان در رادیو و تلویزیون، مسئله بسیار مهمی است. البته اول «خبر» است؛ لیکن از «خبر» که بگذریم، این برنامه های زنده هم که پخش می شود، همین طور است.
۱۶	چرا باید لباس و رفتار و آداب معاشرت و حرف زدن و حتی لهجه غربی ها را تقلید کنیم؟	من به زبان و وطن و فرهنگ خودم افتخار می کنم	«آن مرد مجذوب مفتون دانش غربی ها می گفت: ما باید از فرق سر تا نوک پا غربی شویم. چرا؟ ما ایرانی هستیم و باید ایرانی بمانیم. ما مسلمانیم و باید مسلمان باشیم. آنها بیشتر از ما علم دارند؛ خوب، ما می رویم علمشان را یاد می گیریم؛ چرا باید عادات و فرهنگ و رفتار و آداب معاشرت آنها را یاد بگیریم؛ این چه منطق غلطی است؟ چون آنها به دلیلی باید چیزی به نام کراوات دور گردنشان ببندند - که البته ما نمی گوئیم شما چرا کراوات می بندید؛ کراوات مال آنهاست - آیا ما هم باید از آنها تقلید کنیم؟ منطق ما برای این کار چیست؟ چرا ما لباس و رفتار و آداب معاشرت و حرف زدن و حتی لهجه آنها را تقلید کنیم؟ من گاهی می بینم در تلویزیون گزارشگر ما از فلان نقطه دنیا دارد به زبان فارسی گزارش می دهد و مطلب مربوط به ایران است؛ اما زبان فارسی را طوری حرف می زند مثل اینکه یک انگلیسی دارد به زبان فارسی حرف می زند! این، ضعف نفس و احساس حقارت است؛ چرا من باید به خاطر ایرانی بودنم احساس حقارت کنم؟ من به زبان خودم افتخار می کنم؛ من به فرهنگ خودم افتخار می کنم؛ من به وطن و کشور و گذشته خودم افتخار می کنم؛ چرا باید از آنها تقلید کنم؟»
۱۷	در ترویج زبان معیار صداوسیما مهم تر است یا مطبوعات؟	مطبوعات در خانه و کاشانه ما، برای مدت ها می مانند	«خوب؛ کاغذی را که شما در هیئت روزنامه یا مجله به دست خواننده می دهید، برای او «لغت امام»؛ یعنی «زبان معیار» می شود. این را چگونه می خواهید تهیه کنید؟ آن وقت ناله سر می دهیم که زبان فارسی چنین و چنان شد! مگر نه اینکه از مطبوعات باید زبان فارسی را درست کرد؟ مطبوعات، از این جهت، از صدا و سیما مهم تر است. من البته راجع به زبان فارسی، سال هاست - شاید ده سال بیشتر است - که با صدا و سیما بحث و بگو مگو دارم؛ برای اینکه در آن زمینه پیشرفت کنند؛ کارهایی بکنند و اشکالات را بر طرف سازند. اما روزنامه ها، از این جهت از صدا و سیما مهم ترند. چون مخاطبین آن رسانه، در زمینه زبان فارسی و نکات و ظرایف زبانی و دستوری، فقط از طریق گوش ارتباط دارند و مواردی که عنوان می شود، لحظه ای و گذراست. اما مطبوعات در خانه و کاشانه ما، برای مدت ها می مانند؛ افراد متعددی آن را می خوانند و در آن تعمق می کنند».

ردیف	عنوان پرسش یا شبهه	محور پاسخ	پاسخ رهبر انقلاب به استناد عین عبارات
۱۸	چرا باید عیناً از شکل عنوان‌گزینی روزنامه‌های امریکایی و انگلیسی تقلید کنیم؟	هزار شیوه در کار فارسی‌گویی و فارسی‌نویسی برای عنوان زدن وجود دارد.	«چه لزومی دارد که ما در زبان فارسی عیناً همان را تقلید کنیم؟! در بعضی از روزنامه‌ها می‌بینیم که عیناً از شکل عنوان‌گزینی روزنامه‌های امریکایی و انگلیسی تقلید می‌کنند؛ که البته از ما بدتر در این زمینه، عرب‌ها هستند! چه لزومی دارد این کار را بکنیم؟! فارسی، زبانی غنی و شیرین است. هزار شیوه در کار فارسی‌گویی و فارسی‌نویسی برای عنوان زدن وجود دارد. خوب؛ از این شیوه‌ها استفاده کنیم».
۱۹	رابطه علم و زبان فارسی؟	زبان فارسی این قدر ظرفیت دارد که دقیق‌ترین علوم می‌توانند با این زبان بیان شوند	«یک نکته دیگری هم که من یادداشت کرده‌ام و خوب است که تکرار کنم، این است: از پیشرفت علمی در کشور برای گسترش و نفوذ زبان فارسی استفاده شود. زبان خیلی مهم است برادران و خواهران عزیز! اهمیت زبان ملی یک کشور برای خیلی‌ها هنوز دانسته و شناخته نیست. زبان فارسی باید گسترش پیدا کند. باید نفوذ فرهنگی زبان فارسی در سطح جهان روبه‌روز بیشتر شود. فارسی بنویسید، فارسی واژه‌سازی کنید و اصطلاح ایجاد کنید. کاری کنیم که در آینده، آن کسانی که از پیشرفت های علمی کشور ما استفاده می‌کنند، ناچار شوند برون زبان فارسی را یاد بگیرند. این افتخاری نیست که ما بگوئیم حتماً زبان علمی کشور ما فلان زبان خارجی است. زبان فارسی اینقدر ظرفیت و گنجایش دارد که دقیق‌ترین و ظریف‌ترین علوم و دانش‌ها می‌توانند با این زبان بیان شوند».

د - بررسی بیانات درباره اهمیت زبان فارسی از زاویه آینده نگری

ردیف	موضوع	محور	مستندات
۱	ترکیب پذیری زبان فارسی:	فرصت: ۱- سهولت در ساخت واژه های جدید تهدید: ۱- احتمال ساخت ترکیبات نادرست	«به نظر من، گاهی اوقات ترکیب های زیادی درست می شود، که باید قدری جلوی گرفتگی گرفته شود. ترکیب سازی هم شرایطی دارد. درست است که زبان ما، زبان ترکیبی است؛ اما بالاخره این ترکیب را چه کسی باید بسازد؟ زبان فارسی، خصوصیتش ترکیب پذیری است و می تواند بی نهایت مفهوم را در خودش جای بدهد. گمان می کنم که هیچ زبانی مثل زبان فارسی نیست - حالا زبان هایی که ما تا حدودی بلد هستیم؛ مثل عربی و ترکی - که بشود راحت دو یا سه کلمه را با هم ترکیب کرد و مثلاً چیزی مثل «شترگاو پلنگ» درآورد. واقعاً شترگاو پلنگ یک حیوان است؛ اما موجودی که هم شتر، هم گاو و هم پلنگ باشد، در عالم خارج وجود ندارد؛ درعین حال شما قشنگ می توانید شترگاو پلنگ را در ذهنتان ترسیم کنید. گاهی اوقات مثلاً می بینیم که یک شاعر فصیح، در آخر دیوان خود - که واقعاً اشعارش بسیار خوب است - چند کلمه نثر می نویسد که بعضی از عبارات آن، اشتباه واضح است. فرضاً از تعبیر «لازم به ذکر است» استفاده می کند که غلط است. بایستی همپای شعر، در زمینه نگارش نثر درست هم تلاش نمایید».
۲	تأثیر انقلاب بر زبان فارسی:	فرصت: ۱- ایجاد جاذبه جدید در زبان فارسی ۲- مانوس شدن برخی کشورها با زبان فارسی در پی جاذبه حقایق انقلاب ۳- برتری تعبیر فارسی و عربی بر تعبیر فرنگی	«امروز هم همین طور است؛ امروز هم حقیقتاً زبان فارسی در دنیا جاذبه جدیدی پیدا کرده است. من کسانی را از کشورهای عربی و غیرعربی دیده ام که اینها زبان فارسی را از طریق رادیوی جمهوری اسلامی یاد گرفته بودند. جاذبه سخنان امام و حقایق انقلاب و مفاهیم انقلابی، اینها را با زبان فارسی مانوس کرده بود و این زبان را می فهمیدند. هم در منطقه شرقی عربستان که صدای ما به آنجا می رسد، هم در پاکستان و به خصوص در هند، و هم در آفریقا ما این را دیدیم. من سال ۵۹ هند بودم؛ در آنجا دیدم که کسانی به خاطر سرودهای انقلابی، زبان فارسی را می فهمند؛ مطمئناً در جاهای دیگر هم این معنا وجود دارد. بنابراین، هر جا که جاذبه این فرهنگ و این تفکر بتواند راهی باز کند و نفوذی بکند، زبان فارسی هم هست».
۳	توجه به زبان فارسی:	فرصت: ۱- تقویت هویت ملی ۲- انتقال فرهنگ ۳- تأثیر بر هنر جهانی ۴- اختصاص مکان و ضوابطی برای پالایش درست زبان فارسی	«اگر کسی اینها را دقت کند، ممکن است رگه های سوءنیت را هم در این کار پیدا کند. من می گویم نگاه به رشته های علمی باید نگاه متوازن و برخاسته از آن نگاه کلی باشد. مثلاً یک مدتی واقعاً علوم انسانی در کشور ما مغفول غنه واقع شد؛ مدتی ادبیات فارسی - هویت ملی ما به زبان و خط ماست - اصلاً مورد غفلت و بی اعتنائی قرار گرفت؛ و خیلی چیزهای دیگر. این، نباید اتفاق بیفتد. - برادران! اگر این طور است، پس بدانید که ما این سلاح را آنچنان که باید، درست به دست نگرفته ایم. البته کشور و سرزمین ما، سرزمین هنر است؛ یعنی هنر جهانی از هزار سال پیش به این طرف، در مجموع مدیون سرزمین ماست، مدیون زبان فارسی است، مدیون هنرمندان ایرانی است؛ لیکن ما این سلاح را در اختیار نگرفته ایم. علت هم این است که عده ای بودند، هنرمند هم بودند، صاحب جوهر هم بودند، اما نتوانستند خودشان را با انقلاب تطبیق بدهند؛ چون هنرمندی به معنای بقیه خصال خوب که نیست. ای بسا هنرمندی که هنرش خیلی بالاست، اما آدم پست و حقیر و بد و فاسق و فاسد و خیانتکاری است. از این قبیل زیاد داشتیم، الان هم داریم و جلوی چشممان فراوان قرار دارند».
۴	بی توجهی به زبان فارسی:	تهدید: ۱- تهاجم به زبان فارسی	«من خیلی نگران زبان فارسی ام؛ خیلی نگرانم. سال ها پیش ما در این زمینه کار کردیم، اقدام کردیم، جمع کردیم کسانی را دور هم بنشینند. من می بینم

ردیف	موضوع	محور	مستندات
		۲- انحطاط زبان فارسی ۳- شکل گیری زمزمه هایی برای تغییر خط و زبان ۴- گسترش کاربرد لغات و اصطلاحات فرنگی ۵- تشکیل دستگاه های لغت سازی غیرعلمی و نادرست ۶- نوشتن اسم های فارسی با خط لاتین ۷- گذاشتن نام فرنگی روی محصولات تولید شده داخل ۸- غلط گویی	کار درستی در این زمینه انجام نمی گیرد و تهاجم به زبان زیاد است. همین طور دارند اصطلاحات خارجی [به کار می برند]. ننگش می کند کسی که فلان تعبیر فرنگی را به کار نبرد و به جایش یک تعبیر فارسی یا عربی به کار ببرد؛ ننگشان می کند. این خیلی چیز بدی است؛ - امروز متأسفانه زبان واقعاً در حال انحطاط است. در حالی که منابع زبان فارسی ما همچنان محفوظ است، اما آدم می بیند که زبانی که در اختیار نویسنده و گوینده و خبرده و حتی شاعر و ادیب و کتاب نویس و امثال اینهاست، به شکل بسیار بدی مطرح می شود؛ و آن وقت این زبان قابل صدور نیست. ما باید بدانیم که وقتی این زبان از وطن خودش دور شد و به کشور بیگانه رفت، پاره ای شکستگی ها در آن به وجود خواهد آمد؛ باید فکر آن را بکنیم، اینجا مستحکم درستش بکنیم، که در آن جا اقلاً چیزی از آن باقی بماند. - با اینکه ما در همین دوره، انصافاً شخصیت های خوب ادبی، شاعر و نویسنده بزرگ هم داشتیم، لیکن از لحاظ گسترش سیاسی و از لحاظ قدر و قیمت بین المللی، در پایین ترین وضعیت قرار گرفتیم! علت هم این بود که در مهد زبان فارسی - یعنی ایران - کسانی که متصدیان امور بودند، از زبان فارسی تبری می جستند! این نهایت انحطاط است. عده ای راجع به تغییر خط حرف می زدند و عده ای در مورد به کار بردن لغات و اصطلاحات فرنگی افتخار می کردند و خودشان را در مقابل آن کوچک می دانستند! آنجایی هم که می خواستند فارسی سازی کنند، حتی لغت سازی فارسی شان نوعی اظهار ارادت به لغت بیگانه بود! واقعاً از چیزهای عجیبی که انسان مشاهده می کند، اینکه یک دستگاه لغت سازی در ارتش زمان شاه وجود داشت؛ آنها می نشستند و لغتی را از لغتنامه کهن فارسی انتخاب می کردند که یک نوع شباهتی به زبان خارجی داشته باشد! گاهی هم لغت فارسی جعل می کردند؛ لغت سازی می کردند. البته لغت سازی، کار جایزی است؛ به شرط اینکه آن کسی که لغت سازی می کند، صلاحیت این کار را داشته باشد - اشکالی ندارد، پیشرفت زبان است - اما آنها صلاحیت داشتند یا نداشتند، کاری ندارم؛ لیکن لغت سازی شان با توجه به لغت خارجی بود. - ما در کشور خودمان در وابستگی و اضمحلال هویت در مقابل بیگانگان تا آنجا پیش رفتیم که افراد برجسته ای خجالت نکشیدند و پیشنهاد تغییر زبان و خط فارسی را دادند! البته روی تغییر زبان کمتر کار کردند؛ اما برای تغییر خط فارسی - خط یک کشور یکی از نقاط برجسته و از شاخص های مهم فرهنگی هر کشور است - در همین روزنامه ها و مطبوعات دوره طاغوت در کشور ما علناً و صریحاً مطلب نوشتند، دفاع کردند و حرف زدند که ما خط فارسی را تغییر بدهیم؛ آن هم با استدلال های کاملاً مجادله آمیز و مغالطه آمیز و خلاف واقع. آنها تا این حد پیش رفتند. - اسم فارسی را با خط لاتین می نویسند! خوب چرا؟ چه کسی می خواهد از این استفاده کند؟ آن کسی که زبانش فارسی است یا آن کسی که زبانش خارجی است؟ اسم فارسی با حروف لاتین! یا اسم های فرنگی روی محصولات تولید شده داخل ایران که برای من عکس هایش را و تصویرهایش را فرستادند! خوب چه داعی داریم ما این کار را بکنیم؟ بله، یک وقت شما یک محصول صادراتی دارید، آنجا در کنار زبان فارسی - فارسی هم باید باشد البته؛ هرگز نایستی از روی محصولات ما زبان فارسی برداشته بشود - البته زبان خارجی هم به آن

ردیف	موضوع	محور	مستندات
			کشورهایی که خواهد رفت، اگر زبان دیگری دارند نوشته بشود، اما محصولی در داخل تولید می شود، در داخل مصرف می شود، چه لزومی دارد؟ روی کیف بچه‌های دبستانی چه لزومی دارد که یک تعبیر فرنگی نوشته بشود؟ روی اسباب بازی ها همین جور؛ من واقعا حیرت می کنم. این جزو چیزهایی است که شما خیلی درباره‌اش مسئولیت دارید. البته من مثال هایی در ذهن دارم برای این استعمال زبان فارسی که نمی خواهم دیگر حالا آنها را عرض کنم؛ نام شرکت، نام محصول، نام مغازه! و از این قبیل همین‌طور مکرر تعبیرات فرنگی و به خصوص انگلیسی؛ من از این احساس خطر می کنم و لازم است که حضرات و شورای عالی انقلاب فرهنگی نسبت به این مسئله به جد دنبال کنند و دولت به طور جدی مواجه بشود با این مسئله. - ما این همه تکرار کردیم، در رادیو و تلویزیون هم گفتیم که نگویید «لازم به ذکر است»؛ اما هر کاری می کنیم، نمی شود! رسماً گفتیم، ابلاغ هم کردند، در سخنرانی هم گفتیم که این ترکیب «لازم به ذکر است» را نگویید؛ ولی باز می گویند! یک روز در جلسه‌ای در صدا و سیما - که شاید بعضی از آقایان هم بودند - من صحبتی کردم و گفتم که اینقدر نگویید «داریم»؛ این تصویر فلانی را داریم، این صدای فلانی را داریم، این مذاکره را با هم داریم؛ این یک گرته‌برداری غلط از زبان بیگانه است؛ در فارسی چنین چیزی نداریم. مثلاً به جای اینکه بگویند من با شما گفتگویی بکنم، می گویند من با شما گفتگویی داشته باشم؛ مرتب این فعل «داشتن» را به‌صورت کمکی های غیر وارد و غیر صحیح و غیر اصیل در زبان فارسی استفاده می کنند؛ هرچه هم می گوئیم، فایده‌ای ندارد! این همان بلیه بزرگ زبان فارسی در حال حاضر است. واقعاً ضابطه‌ای لازم است؛ جایی لازم است که این مشکلات زبان فارسی را تمام کند و نگذارد که به اسم زبان، از مسیرها و جریان های غلط، گنداب هایی وارد دریاچه زبان فارسی شود و این زبان را آلوده کند؛ واقعاً پالایش صحیحی وجود داشته باشد».
۵	توجه به زبان فارسی در رسانه ملی:	فرصت: ۱- معیارسازی زبان برای مردم ۲- درست گویی و درست نویسی ۳- پرهیز از غلط خوانی متن صحیح و تنظیم متن غلط ۴- تأمین راقی ترین سطح ادای فارسی در خبر و تفسیر و ...	- «مسئله زبان در رادیو و تلویزیون، مسئله بسیار مهمی است. البته اول «خبر» است؛ لیکن از «خبر» که بگذریم، این برنامه‌های زنده هم که پخش می شود، همین‌طور است؛ مثل همین برنامه «روزنه» که شما گفتید، یا آن برنامه «عصرانه»، یا آن برنامه «سلام صبح بخیر» که خیلی هم شنونده دارد. آیا شما برنامه «سلام صبح بخیر» را می شنوید، یا نه؟ وقتی آدم این برنامه را می شنود، واقعاً دلش خون می شود! حرف هایی می زنند و تعبیراتی به کار می برند که آدم واقعاً غصه‌اش می شود! باید کاری کرد، باید فکری کرد، باید معیارهایی گذاشت. آن جوانی که آنجا نشسته و دارد برنامه اجرا می کند، بیچاره تقصیری هم ندارد؛ او همه وسع خودش را دارد مصرف می کند؛ باید به او وسع و توان و سواد داد. ان‌شاءالله همه اینها باید اصلاح بشود، تا بتوانیم زبان را عرضه بکنیم. - شما هنرمندید؛ یعنی کار شما دقیقاً یک کار هنری است. این متن بایستی طوری تنظیم بشود و به‌گونه‌ای آرایه گردد و خواننده بشود که جاذبه داشته‌باشد. از چیزهایی که جاذبه را از بین می‌برد، غلط خوانی است. غلط خوانی، دو گونه است: یکی غلط خوانی متن صحیح است، یکی هم تنظیم متن غلط است؛ یعنی صحیح‌خوانی متن غلط. غلط خوانی متن صحیح این است که شما مثلاً کلمه‌ای را بد بخوانید. فرضاً آن برادرانی که گوینده هستند، عبارات فارسی را غلط بخوانند، یا مثلاً عبارات عربی را درست تلفظ نکنند. البته حالا بحمدالله خیلی بهتر شده؛ ولی اوایل که خیلی بد بود، نمی شود گفت به کلی بی غلط شده؛

ردیف	موضوع	محور	مستندات
			اما بحمدالله خیلی کم غلط است؛ به خصوص آن وقتی که برادران کار می کنند و من گاهی مطلع می شوم که روی متنی، خیلی کار می شود. پس، غلط خوانی، یکی از چیزهای ضد جاذبه است. غلط تنظیم کردن هم همین طور است. - شما باید راقی ترین سطح ادای فارسی را در متن هایتان تأمین کنید. فرق هم نمی کند که چه متنی باشد؛ متن خبر باشد، یا متن تفسیر؛ چون تفسیر هم به قدر خبر اهمیت دارد. بنابراین، آن چیزی که خواننده می شود، باید یکی از قوی ترین و صحیح ترین متون فارسی باشد. متأسفانه، الان این طور نیست. من بارها هم این را گفته ام؛ ولی در عین حال هست».
۶	زبان علم شدن فارسی:	فرصت: ۱- ملزم شدن دانشمندان به یادگیری زبان فارسی برای دستیابی به نظریه های علمی و اختراعات ۲- پیشرفت چشمگیر ایران ۳- افزایش نفوذ زبان فارسی	- «من مکرر گفته ام، ملت ما باید به جایی برسد که دانش پژوهان عالم، برای اینکه به قله های علم دست پیدا کنند، مجبور باشند زبان فارسی یاد بگیرند؛ این یک جایگاه تعریف شده است. ما ممکن است پنجاه سال دیگر به اینجا برسیم؛ باشد. اگر بخواهیم به این جایگاه تعریف شده دست پیدا بکنیم، راه آن این است که از دانش، از هوش، از قدرت تحرک بالا، از قدرت ابتکار و از عزم راسخ در همه بخش ها استفاده کنیم و بهره بگیریم. باید اقتصاد را بالا آورد، و بالا آمدن اقتصاد بدون رشد فرهنگی، نه ممکن است، نه مفید؛ فرهنگ هم بایستی تعالی پیدا کند، ترقی پیدا کند. - آن روزی را باید دنبال کنیم که اگر در دنیا دانشمندی خواست یک نظریه علمی را بفهمد، بشناسد، حل کند و با یک اختراع آشنا شود، مجبور شود زبان فارسی را یاد بگیرد. من این مطلب را داخل پرنانتز بگویم؛ هفته گذشته به یک مشت جوان که اینجا آمده بودند، گفتم آن روزی را باید دنبال کنیم که اگر در دنیا دانشمندی خواست یک نظریه علمی را بفهمد، بشناسد، حل کند و با یک اختراع آشنا شود، مجبور شود زبان فارسی را یاد بگیرد. - بنده در یکی از همین ملاقات ها به دانشجویها گفتم شما برای پنجاه سال آینده برنامه ریزی کنید؛ توقع ما این است. منظورم در زمینه علم است. هدف را این قرار بدهیم که پنجاه سال بعد، کشور شما یکی از مراجع عمده و درجه اول علمی دنیا باشد؛ به طوری که اگر کسی خواست با تازه های دانش آشنا شود، مجبور بشود زبان ملی شما را یاد بگیرد؛ همچنانی که این دختر عزیزمان گفتند که ما مجبوریم زبان بین المللی را یاد بگیریم؛ راست هم می گوید. انگلیسیها با زرنگی زبان خودشان را زبان علم و زبان بین المللی کرده اند و هر چه شما می خواهید یاد بگیرید و هر چه می خواهید بخوانید، مجبورید زبان آنها را یاد بگیرید. شما کاری کنید که در پنجاه سال آینده، همین نیاز به زبان فارسی شما باشد. - من در یکی از جلسات دانشجویها گفتم شما فکر این را بکنید که پنجاه سال دیگر کشور شما باید جایی باشد که هر کس به یک پیشرفت علمی احتیاج دارد، ناگزیر باشد زبان فارسی یاد بگیرد؛ یعنی کشور شما آن قدر اثر علمی و تحقیقاتی تولید کند که همین طور که امروز زبان انگلیسی عمدتاً به برکت پیشرفت فناوری امریکا و بعضی از کشورهای دیگر در دنیا رایج شده، شما بتوانید زبان فارسی را به تبع رشد علمیتان در دنیا رایج کنید. شما باید بتوانید در قله قرار بگیرید؛ این شدنی است و اگر همت بگذاریم، قطعی است».